

لغت عربی از ماست. لغت عربی لغت اسلام است.
امام خمینی (رحمة الله عليه)

الفهرس

١ الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (قِيمَةُ الْعِلْمِ، نَوْرُ الْكَلَامِ وَ كَنْزُ الْكُنُوزِ)

١٥ الدَّرْسُ الثَّانِي (جَوَاهِرُ الْكَلَامِ، كُنُوزُ الْحِكْمِ وَ كَنْزُ النَّصِيحَةِ)

٢٧ الدَّرْسُ الثَّلَاثُ (الْحِكْمُ النَّافِعَةُ وَ الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ)

٣٧ الدَّرْسُ الرَّابِعُ (حِوَارٌ بَيْنَ وَكَلَدَيْنِ)

٤١ الدَّرْسُ الْخَامِسُ (فِي السُّوقِ)

٤٧ الدَّرْسُ السَّادِسُ (الْجَمَلَاتُ الذَّهَبِيَّةُ)

٥٣ الدَّرْسُ السَّابِعُ (حِوَارٌ فِي الْأُسْرَةِ)

٥٩ الدَّرْسُ الثَّامِنُ (فِي الْحُدُودِ)

٦٥ الدَّرْسُ التَّاسِعُ (الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ)

٧١ الدَّرْسُ الْعَاشِرُ (زِينَةُ الْبَاطِنِ)

٧٧ الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ (الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ)

٨١ الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ (الْأَيَّامُ وَ الْفُصُولُ وَ الْأَلْوَانُ)

٨٨ **الْمُعْجَمُ**

سخنی با دبیران عربی و گروه‌های آموزشی

برای تدریس این کتاب باید دوره آموزشی ضمن خدمت را گذرانده باشید؛ چنانچه به هر دلیل موفق به گذراندن این دوره نشده‌اید؛ لازم است کتاب راهنمای تدریس معلم را تهیه کنید. فایل پی دی اف کتاب معلم در وبگاه گروه عربی قرار دارد.

خدای را سپاس که به ما توفیق داد تا با نگارش این کتاب به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی کرده باشیم.

این کتاب نخستین کتاب عربی از مجموعه کتاب‌های دوره اول متوسطه می‌باشد که تدوین آن بر اساس تغییر نظام آموزشی صورت گرفته است. شورای تألیف، یک تیم نه نفره شامل استادان دانشگاه و معلمان بوده است. کتاب حاضر براساس نظرات دبیران و گروه‌های آموزشی بازنگری شده است.

رویکرد راهنمای برنامه درسی عربی «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» است. شیوه کتاب، متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان نیمسال اول تحصیلی، برخی عبارات و در پایان نیمسال دوم متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب حدود ۴۰۰ کلمه ساده و دشوار به کار رفته است که مجدداً در پایه‌های بعدی تکرار می‌شوند. هرچند این کتاب، قاعده محور نیست؛ اما در بیشتر درس‌های کتاب، نکاتی تحت عنوان «بدانیم» آمده که هدف آن کمک به فهم بهتر متن و عبارت است. آنچه در بخش «بدانیم» آمده به منظور فهم معنای جملات است. فراگیر، قاعده را می‌خواند تا بتواند به کمک آن درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. هدف اصلی، درست خواندن، فهمیدن و ترجمه است. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در بارم‌بندی امتحانات نیز لحاظ شده است.

عبارات در نیمه اول کتاب، ساده و کوتاه‌اند و این طبیعی است؛ زیرا فراگیر در ابتدای کار است. اما در نیمه دوم، علاوه بر عبارات ساده، متون کوتاه مکالمه و داستان نیز آمده است. در این کتاب، مکالمه نیز اهمیتی دارد؛ مکالمه به درس عربی جذابیت می‌بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد و موجب تقویت آموزش نیز می‌گردد؛ زیرا مکالمه بستر واقعی یادگیری هر زبانی است. زبان عربی، زبان نخست جهان اسلام و یکی از زبان‌های بین‌المللی است؛ لذا در این کتاب به این امر مهم نیز پرداخته شده است.

روخوانی در کتاب‌های جدید، اهمیّت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند و بفهمد تا درست

ترجمه کند.

این کتاب در دوازده درس تنظیم شده است.

درس اوّل تا پایان درس چهارم برای تدریس در نوبت اوّل است.

درس اوّل، سه بخش دارد. در این درس جملات حکیمانه ساده و در عین حال پر ارزشی آمده است. همچنین عبارتهایی درباره «اسم اشاره به مفرد، مثنی و جمع» آمده که در آن مثنی و انواع جمع (سالم و مکسر) نیز تدریس شده است. این درس برای تدریس در سه جلسه است.

درس دوم، سه بخش دارد. در زمینه جملات حکیمانه در این درس نیز مانند درس اوّل عمل شده است. حروف و اسماء استفهام «هَلْ، أَ، مَنْ و ما» آموزش داده می‌شود. در کنار «مَنْ»، «مَنْ هُوَ»، «مَنْ هِيَ» و «لِمَنْ» و در کنار «ما»، «ما هُوَ»، «ما هِيَ» و «ماذا» نیز قرار می‌گیرد. این درس برای تدریس در سه جلسه است.

درس سوم، دو بخش دارد. آغاز هر بخش مزین به سخنان حکیمانه است. در این درس دو کلمه پرسشی «أین» و «گم» تدریس شده است. در کنار «گم» عددهای اصلی یک تا دوازده آموزش داده می‌شود. اما تطابق عدد و معدود آموزش داده نمی‌شود و عددها در حالت عمومی (مذکر) تدریس می‌شود. این درس برای تدریس در دو جلسه است.

درس چهارم، از آنجا که دانش‌آموز در درس‌های اوّل تا سوم با کلمات بسیاری آشنا شده است؛ اکنون وقت آن است که متن مکالمه قدری طولانی‌تر شود. متن این درس گفت‌وگویی میان دو دانش‌آموز در یکی از شهرهای زیارتی کشور عراق است که شامل سلام و احوال‌پرسی و معرفی است. متن درس دوره‌ای بر آموخته‌های پیشین می‌باشد.

هریک از درس‌های چهارم تا دوازدهم برای تدریس در یک جلسه (جمعاً هشت جلسه) است.

درس پنجم، درس با مکالمه‌ای در سوق النجف الکبیر آغاز می‌شود. فعل ماضی اوّل و دوم شخص مفرد در متن درس و در تمرینات درس آموزش داده می‌شود. هدف این نیست که صرفاً دانش‌آموز بتواند فعل ماضی بسازد؛ بلکه هدف این است که بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند.

درس ششم، متن درس، گفت‌وگویی کوتاه میان مادر و پسر همراه جملات حکیمانه است. ساختار درس نیز فعل ماضی سوم شخص مفرد است. همانند درس پنجم در این درس و دروس بعد، ساخت فعل ماضی، صرف کردن، تبدیل فعلی از مفرد به جمع یا حالات دیگر تبدیل کردن از اهداف آموزشی نیست.

درس هفتم، شروع درس با یک مکالمه است. آنچه را دانش‌آموز درباره فعل ماضی اوّل، دوم و سوم شخص مفرد خوانده است؛ یکجا در این درس دوره می‌کند. همچنین واژه‌های دروس قبل تکرار می‌شوند و ماضی منفی هم در این درس آموزش داده می‌شود.

درس هشتم، شروع درس با مکالمه است. متن درس گفت‌وگویی تلفنی میان مادر بزرگ و نوه اش است. فعل ماضی اول شخص جمع به‌عنوان ساختاری جدید در متن درس و در تمرینات گنجانده شده است.

درس نهم، متن درس دربارهٔ یک خانوادهٔ روستایی موفق است. کلمات دروس قبل در این درس تکرار می‌شوند. این تکرار در همهٔ دروس کتاب صورت می‌گیرد. فعل ماضی دوم شخص جمع ساختار درس نهم است.

درس دهم، اکنون که کتاب به پایان خود نزدیک می‌شود و دانش‌آموز به اندازهٔ کافی با کلمه و ساختار زبان عربی آشنا شده است، وقت آن است که با خواندن یک داستان، در این درس و داستان دیگری در درس یازدهم آموخته‌هایش را بیازماید. پیام اخلاقی داستان، درس زندگی برای دانش‌آموز است. در این درس فعل ماضی سوم شخص جمع، آموزش داده می‌شود و طی شش درس (از درس پنجم تا پایان دهم) کل ساختار ضمیر و فعل ماضی، آموزش داده شده است. همان‌گونه که یادآوری شد، هدف این کتاب این نیست که دانش‌آموز فعل ماضی بسازد؛ بلکه هدف این است که فعل ماضی یا هر کلمهٔ دیگری را درون جمله و با کمک قرائن ترجمه کند. مثلاً دانستن ترجمهٔ «شربوا» بیرون از جمله سخت است؛ اما ترجمهٔ آن در جملهٔ «هُؤلَاءِ الْأَوْلَادُ شَرَبُوا مَاءً بَارِدًا.» به کمک اجزای دیگر جمله بسیار آسان و لذت‌بخش است و هدف ما در آموزش و ارزشیابی این است که دانش‌آموز از کتاب عربی لذت ببرد.

درس یازدهم، داستان «اخلاص در کار» زینت بخش این درس شده است. اکنون دانش‌آموز می‌تواند داستان‌ها و متون کوتاه و ساده بخواند. در این درس، هیچ ساختار جدیدی آموزش داده نمی‌شود؛ تنها چند کلمهٔ جدید می‌آموزد و البته به سبک همیشگی کتاب، تکرار واژه‌های دروس قبل، از اهداف کتاب است. کلمات دوازده درس کتاب عربی هفتم در ده درس کتاب عربی هشتم به‌منظور تثبیت آموخته‌ها بازآوری شده است. این تکرار در کتاب‌های بعدی نیز صورت می‌گیرد. بدیهی است پاره‌ای از کلمات که مهم‌ترند، بیشتر تکرار می‌گردند.

درس دوازدهم، در این درس مانند درس یازدهم هیچ ساختار جدیدی آموزش داده نمی‌شود. درس دوازدهم، آموزش نام روزهای هفته، فصل‌ها و رنگ‌ها است. اما دربارهٔ ضمائر موجود در کتاب هدف آموزشی این است که دانش‌آموز معنای آنها را بداند. کافی است بداند «هُوَ» در جملهٔ «هُوَ خَرَجَ مِنَ الْفُنْدُقِ» به معنای «او» است و فرق آن با «هِيَ» آن است که «هُوَ» برای مذکر و «هِيَ» برای مؤنث است. به عبارت دیگر همان‌گونه که یاد می‌گیرد «مَدِينَةٌ» به معنای «شهر» مؤنث است و جمع آن «مُدُنٌ» است و به کلمهٔ «مَدِينَةٌ» نگاه قاعده‌ای ندارد؛ دربارهٔ «هُوَ» نیز برخورد قاعده‌ای نمی‌شود و دانستن معنای آن کفایت می‌کند. دربارهٔ ضمیر «هُ» نیز کافی است معنای آن را در جمله بداند. مثلاً بتواند در جملهٔ «رُبُّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ.» که ضمیر «هُ» دارد این جمله را ترجمه کند.

پایان کتاب نیز «الْمُعْجَم» : واژه‌نامه است.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزشیابی این کتاب:

۱- در آغاز باید دانش‌آموز بداند چرا عربی می‌آموزد. به همین منظور پشت جلد اختصاص به این کار دارد و لازم است که دانش‌آموز را در همان هفته اول مهر به پشت جلد ارجاع داد و از او خواست تا اگر موارد دیگری به ذهنش می‌رسد عنوان کند.

۲- آنچه باید سرلوحه کار معلم قرار گیرد این است که دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است. لازم است به مطالبی که در کتاب آمده است بسنده کند و مطلب اضافه‌ای به او آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را او باید بیاموزد به تدریج و طی سال‌های آینده فرا خواهد گرفت.

۳- سیاست تألیف در تمامی قسمت‌های کتاب مبنی بر تسهیل و جذابیت است. به همین منظور بزرگ‌ترین مسئولیت معلم آن است که با لطایف الحیل، مطالب کتاب را به ساده‌ترین روش به فراگیر تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است. لذا باید در امتحانات از طراح‌ی سؤالات معماگونه خودداری کرد. مؤلفان نیز به نوبه خود تلاش نموده‌اند تا زمینه دشوارسازی آموزش را از بین ببرند. به منظور تسهیل آموزش، واژگان جدید هر درس به همراه ترجمه در آغاز درس آمده و علاوه بر آن تمام واژگان تحت عنوان «المعجم» در پایان کتاب قرار گرفته است.

۴- تألیف کتاب درسی عربی براساس «راهنمای برنامه درسی» و با توجه به اسناد بالادستی مانند «قانون اساسی» و «برنامه درسی ملی» نوشته شده است. «راهنمای برنامه درسی» نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی سه ساله اول و سه ساله دوم متوسطه می‌باشد که در «شورای برنامه ریزی درسی» تهیه و تنظیم شده است. این شورا از استادان، کارشناسان و معلمان مجرب تشکیل شده است. نگاشت «راهنمای برنامه درسی عربی» به مدت پنج سال به طول انجامید و در نگارش، اعتباربخشی و اصلاح آن این گروه‌ها سهیم بودند:

اعضای گروه درسی عربی دفتر تألیف، مؤلفان کتاب‌های درسی، دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی، پایگاه کیفیت بخشی فرایند آموزش عربی، اعضای گروه‌های آموزشی، دبیران مجرب، استادان دانشگاه، متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، روان‌شناسی، برنامه‌ریزی درسی و سنجش و ارزشیابی، نمایندگان حوزه علمی، کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. همچنین در این راه مصاحبه‌های بسیاری با صاحب‌نظران، استادان، دبیران، مدیران و دانش‌آموزان صورت گرفته است.

۵- سال‌ها آموزش عربی در ایران قاعده محور بوده و برخی از دبیران به این شیوه خوی گرفته‌اند. این

گروه شایسته است بدانند در کتاب حاضر، ذکر قواعد فقط برای فهم بهتر عبارت و متن است و در بارم‌بندی امتحانات نوبت اول و دوم نمره کمی به آن تعلق گرفته است.

۶- در تألیف کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شد و مباحث غیر ضروری و کم‌اهمیت کنار نهاده شد.

۷- **کار عملی در این کتاب تهیّه انواع کاردستی نیست**؛ بلکه کارهایی مانند مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی می‌باشد. یعنی باید دانش‌آموز آموخته‌هایش را در قالب سخن گفتن یا نوشتن به منصه ظهور برساند.

۸- کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن و حدیث و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

۹- هر یک از درس‌های این کتاب مکمل درس پیشین است و کتاب‌های سال آینده نیز هر یک مکمل کتاب پیش از خود هستند. کتاب‌های عربی یک مجموعه هدفمند و حساب شده‌اند.

۱۰- در بخش «بدانیم» سعی شده است با شاهد مثال، اصول زبان به دانش‌آموز آموخته شود. در این بخش **نیازی به حفظ تعاریف و اصطلاحات نیست**. ذکر تعاریف و اصطلاحات فقط به منظور فهم بهتر عبارات و متون است و میوه آن فهم زبان است.

۱۱- تصاویر کتاب؛ دو منظوره انتخاب شده است؛ یعنی علاوه بر هدف اصلی که کمک به آموزش زبان عربی است؛ ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند. در این راستا به عدالت در توزیع جنسیتی و مسائلی از این‌گونه توجه شده است. بسیاری از تصاویر که مربوط به بزرگان و افتخارآفرینان کشور است به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند و در آن به مسائلی مانند ارزش جایگاه علم و علما، دفاع مقدس، حفظ محیط‌زیست، احترام به قوانین راهنمایی و رانندگی و توجه شده است.

۱۲- عبارات و متون کتاب همانند تصاویر با دو رویکرد آموزش زبان و تحقق اهداف تربیتی و فرهنگی آورده شده‌اند به گونه‌ای که تمامی سخنان حکمت‌آمیز به کار رفته در کتاب در تربیت دانش‌آموز مؤثرند. دبیر محترم باید توجه داشته باشد که از هدف اصلی که آموزش زبان عربی است دور نیفتد و توضیح درباره سخنان حکمت‌آمیز موجب نگردد که به مصداق «الکلامُ یَجْرُ الکلام.» از هدف اصلی فاصله بگیرد.

۱۳- تدریس این کتاب نیازمند طی دوره‌های آموزش روش تدریس در کلاس‌های آموزش ضمن خدمت فرهنگیان است.

۱۴- از ارائه «جزوه قواعد» به دانش‌آموز خودداری گردد. هرچه در زمینه قواعد لازم بوده در همین کتاب تحت عنوان «بدانیم» آمده است.

۱۵- مطلقاً از طرح سؤالاتی در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود. زیرا از اهداف عربی سال اول متوسطه نیست. دانش‌آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص نیز داشته باشد. در سال اول از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود (در بخش مکالمه یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد. زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا نهایتاً دو کلمه است و در این بخش نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخگویی، رعایت دقیق ظرافت‌های دستوری فعلاً مد نظر نیست).

۱۶- هیچ واژه‌ای بیرون از جمله مورد سؤال واقع نشود. ترجمه کلمات، در داخل جمله خواسته شود. مثلاً: ترجمه کلمات مشخص شده را بنویسید.
فَصَلِّ الشَّيْءَ بَارِدٌ. لَوْنُ السَّمَاءِ أَزْرَقٌ. الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. لَيْسَتْ قَمِيصاً أَبْيَضَ.

۱۷- از هیچ ضرب‌المثل، حدیث یا آیه مشابهی جز آنچه در کتاب درسی آمده است در آزمون‌ها برای ترجمه استفاده نشود. انتخاب سخنان حکمت آمیز در محدوده دانسته‌های دانش‌آموز کاری بس دشوار بود که گروه مؤلفان در انتخاب آن وقت زیادی را صرف کردند.

۱۸- در پاسخگویی به جملات استفهامی در درس دوم و سوم باید به پاسخ‌های یک کلمه‌ای دانش‌آموز بسنده شود. پاسخ کامل، مد نظر نیست. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «هَلْ أَنْتَ مِنْ إِيرَانَ؟» جواب «نَعَمْ» کافی است و در این حالت، نمره کامل می‌گیرد. این مورد تنها جایی است که «ساختن» از دانش‌آموز خواسته شده است و در غیر مبحث اسماء و حروف استفهام ساختن جمله عربی مورد نظر نیست.

گفتنی است از آنجاکه در رویکرد این کتاب، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است. در برخی مدارس خاص می‌توان از دانش‌آموزان خواست که پاسخ کامل دهند و علاوه بر آن مکالمات به کار رفته در کتاب را حفظ کنند.

۱۹- در آموزش «عددهای یک تا دوازده» کافی است که دانش‌آموز عددها را فقط به صورت «واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة، خمسة...، أحد عشر و اثناعشر» بیاموزد. بنابراین، چگونگی نوشتن معدود، مطلقاً از اهداف آموزشی این پایه نیست و نباید هیچ اشاره‌ای به آن شود؛ زیرا این موضوع از دشوارترین مباحث زبان عربی است. دانش‌آموز این دوازده عدد را به عنوان دوازده کلمه جدید یاد می‌گیرد. شکل مؤنث عددها، مانند «خمس بنات» از اهداف نیست.

۲۰- در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده است. به جای اینکه وقت دانش‌آموز صرف نوشتن شود باید بیشتر صرف مهارت‌های شفاهی زبانی شود.

۲۱- رونویسی بخش‌های کتاب در هیچ‌یک از سه کتاب عربی دورهٔ اوّل متوسطه لازم نیست.

۲۲- در آموزش رنگ‌ها شش رنگ «آسود، أبيض، أحمر، أصفر، أزرق و أخضر» بر وزن «أفعل» مدّ نظر است و آموزش وزن «فَعْلَاء» هدف آموزشی نیست.

۲۳- هدف در آزمون شفاهی، درست خواندن است. بدیهی است برگزاری آزمون شفاهی در یک روز، امکان‌پذیر نیست. بنابراین، هرچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعهٔ فَعَالِيَّت‌های شفاهی او، نمرهٔ شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. دانش‌آموز در آغاز در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تمرین دارد و به تدریج تقویت می‌گردد. بنابراین، ملاک نمره دهی، آخرین وضعیت دانش‌آموز است؛ زیرا این مهارت به مرور تقویت می‌گردد. مهارت زبانی روخوانی، از اهداف مهمّ آموزش عربی است.

۲۴- در آزمون شفاهی می‌توان ترجمهٔ امثال، حکم و احادیث را پرسید و اگر دانش‌آموز در پاسخ، مفهوم جمله را خوب بیان کرد؛ کفایت می‌کند و الزامی نیست که ترجمه دقیق باشد و رساندن مفهوم کلی کافی است. حفظ امثال و احادیث نیز هرچند کاری پسندیده و ارزشمند است؛ امّا از آنجا که امکان دارد با شیوه‌های نادرست در دانش‌آموز ایجاد زدگی کند، باید با ملاحظهٔ بسیار صورت گیرد. باید شیوه‌ای به کار برد که دانش‌آموز به حفظ حدیث علاقه‌مند شود. آموزش شاهد مثال از احادیث و آیات، هدف والای درس عربی است که این هدف در سایهٔ تغییر نگرش و با جلب محبّت محقّق می‌شود. با تکرار حکم و امثال به تدریج این عبارات ملکهٔ ذهن دانش‌آموز می‌گردد.

۲۵- در بسیاری از جاهای کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین نهاده شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. هر چند استفاده از کتاب کار در آموزش عربی مناسب است؛ امّا تجربه نشان داده است که اغلب کتاب‌های کار نه تنها موجب تسهیل آموزش نمی‌شوند؛ بلکه مسیر آموزش را منحرف می‌کنند. لذا دفتر تألیف استفاده از کتاب کار را توصیه نمی‌کند.

۲۶- یک دبیر با تجربه می‌داند در هر کتابی از جمله این کتاب می‌تواند به گونه‌ای سؤال امتحان طرح کند که درصد بالایی از دانش‌آموزان نمرهٔ زیر ده بگیرند و حالت عکس نیز امکان دارد. بهترین شیوه میانه‌روی است.

۲۷- ما ایمان داریم که کار اصلی را معلّم انجام می دهد و کتاب، تنها یک وسیله است. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با سیاست دفتر تألیف کتاب‌های درسی همگام و همراه شوند؛ زیرا به تدریج همه کتاب‌های سال‌های آینده نیز ادامه و مکمل این کتاب خواهند بود.

در پایان، برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم. چنانچه تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم، می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید. وبگاه گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی وسیله ارتباطی خوبی میان کارشناسان دفتر تألیف، دبیرخانه کشوری راهبری درس عربی، پایگاه کیفیت‌بخشی فرایند یاددهی - یادگیری درس عربی، گروه‌های آموزشی، دبیران، استادان و همه علاقه‌مندان به زبان عربی است. اخبار مربوط به گروه درسی عربی در آن درج می‌شود. در این وبگاه، وبلاگ‌ها و وبگاه‌های ارزشمند زبان عربی لینک شده‌اند. شما می‌توانید از این وبگاه‌های مفید و ارزشمند استفاده کنید و اگر وبگاه یا وبلاگ مفید و فعّالی دارید می‌توانید جهت استفاده دیگران به آدرس وبگاه گروه عربی ارسال نمایید.

نشانی وبگاه گروه عربی عبارت است از:

www.arabic-dept.talif.sch.ir

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ؛

كَيْفَ حَالِكُمْ بِخَيْرٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؟



الدرس الأول



هذه صورة جميلة. هذا جبل جميل.

قیمة العلم

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۷ کلمه)

مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ: همنشینی با دانشمندان	فِي: در، داخلِ قِيَمَة: ارزش، قیمت ك: مانندِ كَالشَّجَرِ: مانند درخت	ذَلِكَ: آن «مذکر» رَجُلٌ: مرد «جمع: رجال» شَجَرٌ: درخت «جمع: أشجار» صَفٌّ: کلاس «جمع: صفوف» طَالِبٌ: دانش آموز، دانشجو «جمع: طُلاب» طَلَبٌ: خواستن فَرِيضَةٌ: واجب دینی	آفة: آفت، آسیب بِلا: بدونِ بُنْتُ: دختر «جمع: بنات» تِلْكَ: آن «مؤنث» تَمْرٌ: میوه جَبَلٌ: کوه جَمِيلٌ: زیبا حُسْنٌ: خوبی
نَاجِحٌ: موفق، پیروز نَسِيَانٌ: فراموشی وَلَدٌ: پسر، فرزند «جمع: أولاد» هَذَا: این «مذکر» هَذِهِ: این «مؤنث»	كَبِيرٌ: بزرگ لَوْحَةٌ: تابلو مَرْأَةٌ (امْرَأَةٌ): زن مُجَالَسَةٌ: همنشینی		

۱. الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا تَمْرٍ.

۲. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

۳. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

۴. طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

۵. آفَةُ الْعِلْمِ النُّسْيَانُ.

هر پنج جمله حکیمانه از رسول الله ﷺ است.

هَذَا هَذِهِ ذَلِكَ تِلْكَ



دَكْتُرُ الْكَلِمَاتِ

هَذِهِ الْمَرَأَةُ، طَبِيبَةٌ.
هَذِهِ الطَّبِيبَةُ، نَاجِحَةٌ.



پَرَفَسُورٌ مَجِيدٌ سَمِيعِي

هَذَا الرَّجُلُ، طَبِيبٌ.
هَذَا الطَّبِيبُ، نَاجِحٌ.



تِلْكَ الْمَرَأَةُ، شَاعِرَةٌ.
تِلْكَ الشَّاعِرَةُ، بَرَوِينُ.



ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ.
ذَلِكَ الشَّاعِرُ، سَعْدِيٌّ.



هَذِهِ الشَّجَرَةُ، عَجِيبَةٌ.



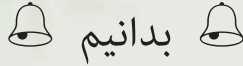
هَذَا الصَّفُّ، كَبِيرٌ.



تِلْكَ اللَّوْحَةُ، جَمِيلَةٌ.



ذَلِكَ الْجَبَلُ، مُرْتَفِعٌ.



۱. هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث.
۲. علامت اصلی اسم مؤنث «ة» است؛ مانند: طالِبَة. اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالب.
۳. «هَذَا» و «ذَلِكَ» اسم اشاره به مذکر و «هَذِهِ» و «تِلْكَ» اسم اشاره به مؤنث هستند.
۴. اسم‌هایی مثل جَزِيرَة و شَجَرَة چون علامت «ة» دارند؛ مؤنث به شمار می‌آیند.

دو نکته

۱. اسم‌های حروف الفبا در عربی:
الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء
۲. حروف «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری (فصیح) وجود ندارد.



التَّمارینُ الْأَوَّلُ: به فارسی ترجمه کنید.

۱. هَذَا الْوَلَدُ، فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.
۲. هَذِهِ الْبِنْتُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.
۳. ذَلِكَ الطَّالِبُ النَّاجِحُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.
۴. هَذِهِ الطَّالِبَةُ النَّاجِحَةُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.
۵. تَمَرٌ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ، لَذِيذٌ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: نام هر تصویر را از کلمات داده شده بیابید.
(جَبَلٌ - شَجَرَةٌ - وَكِدٌّ - بِنْتُ - صَفٌّ)



تِلْكَ



هَذِهِ



هَذَا



ذَلِكَ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: در جای خالی، گزینه مناسب قرار دهید.

۱. «سَعِيدٌ» اِسْمٌ وَكِدٌّ وَ «سَعِيدَةٌ» اِسْمٌ □ رَجُلٌ □ بِنْتُ
۲. الْعَالَمُ الْمُؤْمِنُ كَ..... الرَّحْمَةِ وَ التَّوْرِ. □ جَبَلٍ □ نِسْيَانٍ
۳. تِلْكَ الشَّجَرَةُ..... تَمْرٍ. □ فِي □ بِلَا
۴. طَلَبُ الْعِلْمِ..... □ مُجَالَسَةٌ □ فَرِيضَةٌ

نور الڪلام

المُعْجَم: واژه‌نامه (۳۰ كلمه)

ه، هُ: ش، او، آن دَهَبِيه: طلايش هاتان: اين دو، اينها، اين «اشاره به دو اسم مؤنث» هذان: اين دو، اينها، اين «اشاره به دو اسم مذکر» يَوْم: روز «جمع: أَيَّام» يَوْمَان: دو روز	مَجْهُول: ناشناخته، گمنام مَرء (امرأ): انسان، مرد مَسْرور: خوشحال مِنْ: از نَافِذَة: پنجره نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ: دو نعمت ناشناخته هستند. نَظِيف: پاكيژه والِدَيْن: پدر و مادر واحد: يك وَرْد، وَرْدَة: گل	صِحَّة: تندرستی عَلَى: بر، روی عَلَيْكَ: بر تو، به زيان تو كُرْسِي: صندلی كُرْسِيَانِ خَشْبِيَان: دو صندلی چوبی كلام: سخن لِ: برای لَكَ: براي، به سود تو لَكَ: ست، يتو لِهَذَا الصَّف: اين کلاس دارد. (برای اين کلاس هست.)	أمان: امنيت خَشَب: چوب «جمع: أَخْشَاب» خَشْبِي: چوبی خَيْر: بهتر، بهترين خَيْرٌ مِنْ: بهتر است از دَهْر: روزگار دَهَب: طلا رَأْي: نظر، فکر رَأْيَان: دو نظر، دو فکر رَأْيٌ وَاحِدٌ: يك نظر، يك فکر رِضا: رضاييت
---	--	--	---

۱. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصِّحَّةُ وَ الأمان. رسول الله ﷺ

۲. رِضا اللّهِ فِي رِضا الوالِدَيْنِ. رسول الله ﷺ

۳. آدَبُ المَرءِ، خَيْرٌ مِنْ دَهَبِهِ. رسول الله ﷺ

۴. الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. الإمام عليّ عليه السلام

۵. رَأْيَانِ خَيْرٌ مِنْ رَأْيٍ وَاحِدٍ. حِكْمَةٌ

هَاتَانِ

هُدَانِ



هَاتَانِ بِنْتَانِ.

هَاتَانِ الْبِنْتَانِ، نَظِيفَتَانِ.



هُدَانِ وَكِدَانِ.

هُدَانِ الْوَكِدَانِ، نَظِيفَانِ.



هَاتَانِ وَرْدَتَانِ.

هَاتَانِ الْوَرْدَتَانِ، جَمِيلَتَانِ.



هُدَانِ كُرْسِيَانِ.

هُدَانِ الْكُرْسِيَانِ، خَشَبِيَانِ.

بدانیم

۱. اسم مثنی دو علامت دارد: «ان» و «یَنِ»؛ مانند: طَالِبَانِ، طَالِبَيْنِ، طَالِبَتَانِ و طَالِبَتَيْنِ
۲. «هُدَانِ» اسم اشاره به مثنای مذکر و «هَاتَانِ» اسم اشاره به مثنای مؤنث هستند.

یک نکته

اسم این علامت‌ها را به خاطر بسپارید.

فَتْحَه - كَسْرَه - ضَمَّه - سَكُونٌ - تَنْوِينٌ

التَّمارِينُ

التَّمرِينُ الْأَوَّلُ: زیر هر تصویر یکی از کلمات داده شده را بنویسید.

(وَلَدٌ - وَكْدَانٍ - بِنْتُ - بِنْتَانِ)



هَاتَانِ



هَذِهِ



هَذَا



هَذَانِ

التَّمرينُ الثَّاني: در جای خالی گزینۀ مناسب به کار ببرید.

۱. هاتانِ، مَسْرورتانِ. □ الرَّجُلُ □ المَرأتانِ
۲. هُذانِ، مُرتَفَعانِ. □ الجَبَلانِ □ الوَرْدَةُ
۳. ذَلكِ، نَظيفٌ. □ الطَّالِبَةُ □ الطَّالِبُ
۴. هَذهِ، كَبيرَةٌ. □ المَدْرَسَةُ □ المَسْجِدانِ

التَّمرينُ الثَّالِثُ: ترجمه کنید.

۱. اُولَدُ الصَّالِحِ، فَخْرٌ لِلوَالِدَيْنِ.

۲. لِهَذَا الصَّفِّ، نافِذَتانِ جَميلَتانِ.

۳. قِيمَةُ الإنسانِ، بِالْعِلْمِ وَ الإِيمانِ.

۴. هُذانِ الصَّفَّانِ، كَبيرانِ.

۵. هاتانِ الشَّجَرَتانِ، بِلا ثَمَرٍ.

گَنْزُ الْكُنُوزِ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه)

ها: ش، او، آن	عِنْدَ: نزد، کنار	حَجَر: سنگ «جمع: أحجار»	أَحْيَاء: زندگان «مفرد: حَيٌّ»
أَوْسَطُها: میانه‌ترین آن	فَائِز: برنده	حَدِيقَة: باغ «جمع: حَدَائِقُ»	أَوْسَط: میانه‌ترین
هُؤْلَاءِ: اینان، اینها، این	گَنْز: گنج «جمع: كُنُوز»	سَبْعِينَ: هفتاد	أَوْلِيكَ: آنان، آن
هُؤْلَاءِ إِيْرَانِيَّوْنَ: اینها ایرانی‌اند	لَاعِب: بازیکن	سَنَة: سال «جمع: سَنَوَات»	أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدُونَ: آنها مجاهدند
هُؤْلَاءِ اللَّاعِبُونَ: این بازیکن‌ها	مِفْتَاح: کلید «جمع: مَفَاتِيح»	صَدَاقَة: دوستی	أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدُونَ: آن مجاهد‌ها
	مَكْتَبَة: کتابخانه	صِغَر: خردسالی، کوچکی	تَفَكَّرْ سَاعَة: ساعتی فکر کردن
	مَوْت: مرگ	عِبْرَة: پند «جمع: عِبَر»	جالِس: نشسته
	واقِف: ایستاده	عَدَاوَة: دشمنی کردن	جاهِل: نادان

۱. تَفَكَّرْ سَاعَة خَيْرٌ مِنْ عِبَادَة سَبْعِينَ سَنَة. رسول الله ﷺ

۲. عَدَاوَة الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَة الْجَاهِلِ. الإمام عليّ عليه السلام

۳. الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. الإمام عليّ عليه السلام

۴. خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُها. الإمام عليّ عليه السلام

۵. الْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. حِكْمَة

هُؤْلَاءِ ، أَوْلِيكَ



هُؤْلَاءِ، إِيْرَانِيَّاتٌ.
هُؤْلَاءِ اللَّاعِبَاتُ، فَائِزَاتٌ.



هُؤْلَاءِ، إِيْرَانِيَّوْنَ.
هُؤْلَاءِ اللَّاعِبُوْنَ، فَائِزُوْنَ.



أَوْلِيكَ، مُجَاهِدَاتٌ.
أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدَاتُ، صَابِرَاتٌ.



أَوْلِيكَ، مُجَاهِدُوْنَ.
أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدُوْنَ، صَابِرُوْنَ.

بَدَانِيْم

١. «هُؤْلَاءِ» و «أَوْلِيكَ» در اشاره به جمع مذکر و مؤنث مشترک هستند.
٢. اسم مذکر با «وَنَ» یا «يَنَ» جمع بسته و «جمع مذکر سالم» نامیده می شود؛ مثال: مُعَلِّمُوْنَ، مُعَلِّمِيْنَ
٣. اسم مؤنث با «ات» جمع بسته و «جمع مؤنث سالم» نامیده می شود؛ مثال: مُعَلِّمَات
٤. جمع برخی اسم ها، «مَكْسَر» یعنی شکسته است. در این جمع شکل مفرد کلمه تغییر می کند؛ مثال:
حَدِيْقَةٌ: حَدَائِقُ مِفْتَاحٌ: مِفَاتِيْحُ طِفْلٌ: أَطْفَالٌ عِبْرَةٌ: عِبَرٌ

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: ترجمه کنید، سپس «جمع‌های سالم و مکسر» و نیز «مثنی» را معلوم کنید.

۱. هُوَلاءِ اللَّاعِبُونَ، فائِزُونَ فِي مُسَابَقَتَيْنِ.
۲. هُوَلاءِ الطَّالِبَاتِ، نَاجِحَاتٌ فِي مُسَابَقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ.
۳. أَوْلِيكَ الرَّجَالِ، جَالِسُونَ عِنْدَ عَالِمِينَ.
۴. فِي كُتُبِ الْقِصَصِ عَبْرٌ لِلْأَطْفَالِ.

التَّمرينُ الثَّاني: هر کلمه را زیر تصویر مناسب آن بنویسید.

(لَاعِبَةٌ - مَكْتَبَةٌ - كُرْسِيٌّ - كَنْزٌ - وَرْدَةٌ)



هَذِهِ هَذَا هَذِهِ هَذِهِ

التَّمرينُ الثَّالثُ: در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

۱. عَبَّاسٌ وَ هَاشِمٌ وَ مَيْثَمٌ،
 مَسْرورُونَ مَسْرورَةٌ
۲. زَهْرَاءُ وَ زَيْنَبُ وَ فَاطِمَةٌ،
 واقِفٌ واقِفَاتٌ
۳. أَوْلِيكَ الْأَوْلَادِ، مُمْتَازُونَ.
 لاعِبُونَ لاعِبَاتٌ

نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الأوَّلِ

نگاهی به درس اول - اسم مفرد، مثنی و جمع (حِفْظُ الْقُرْآنِ)

مثال	نشانه	عدد و جنس
حافظ	ندارد	
حافظه	ة	
حافظان و حافظین حافظتان و حافظتین	انِ و -ین	 
حافظون، حافظین	ونَ و ینَ	
حافظات	ات	
حُفَظ	ندارد	

این	هَذَا	
	هَذِهِ	
اینها	هَذَانِ	
	هَاتَانِ	
	هَؤُلَاءِ	
آن	ذَلِكَ	
	تِلْكَ	
آنها	أُولَئِكَ	

الدَّرْسُ الثَّانِي



هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟ لا؛ هَذِهِ شَجَرَةُ الرُّمَّانِ.

جَوَاهِرُ الْكَلَامِ

المُعْجَم: واژه نامه (۲۶ کلمه)

أ: آيا	جُنْدِي: سرباز	عِنَب: انگور	لا: نه
إِحْسَان: نيکی	حَقِيْبَة: كيف، چمدان	عُرْفَة: اتاق	لِسَان: زبان
إِلَّا: به جز	«جَمْع: حَقَائِب»	فُنْدُق: هتل	مَدِيْنَة: شهر
بَائِع: فروشنده	رُبَّ: چه بسا	قَرِيْب: نزديک	نَعْم: بله
بُسْتَان: باغ	رُْمَان: انار	قَرِيْبَة: روستا	هَل: آيا
بَعِيْد: دور	صَلَاة: نماز	قَلِيْل: کم	هُنَا: اینجا
جَزَاء: پاداش	عَمُوْد: ستون	كَثِيْر: بسيار	

۱. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿الرحمن/۶۰﴾

۲. الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامُ كَثِيرُ الْعَمَلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳. سَكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلِيٍّ

۴. رُبَّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلِيٍّ

۵. الْوَقْتُ مِنَ الذَّهَبِ. حِكْمَةٌ

هَلْ ؟ أ ؟ نَعْم - لا



هَلِ الْفُنْدُقُ بَعِيدٌ؟
لا؛ الْفُنْدُقُ قَرِيْبٌ.



هَلْ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَانِ؟
نَعْم؛ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَانِ.



أ هَذِهِ، حَقِيْبَةُ الْمَدْرَسَةِ؟
لا؛ هَذِهِ، حَقِيْبَةُ السَّفَرِ.



هَلْ هُنَا مَدِينَةٌ؟
لا؛ هُنَا قَرْيَةٌ.



أ هَذَا جُنْدِيٌّ؟
نَعَمْ؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.

بدانيم

«هَلْ» و «أ» دو کلمه پرسشی به معنای «آیا» هستند که در جواب آنها «نَعَمْ» یا «لا» می آید.

التَّمارين

التَّمارينُ الْأَوَّلُ: با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



۲- هَلْ هُنَا مَدِينَةُ شيراز؟



۱- هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟



٤ - هَلْ هُوَ بَائِعُ الْحَقَائِبِ؟



٣- هَلْ هُنَا بُسْتَانٌ؟

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ترجمه كنيد.

١. الْمَكْتَبَةُ بَعِيدَةٌ وَ الْمَدْرَسَةُ قَرِيبَةٌ.

٢. هَلْ هُنَا أَشْجَارُ الْعِنَبِ وَ الرُّمَّانِ؟ لَا.

٣. هَلْ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ فُنْدُقٌ؟ نَعَمْ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: گزينه درست را انتخاب كنيد.

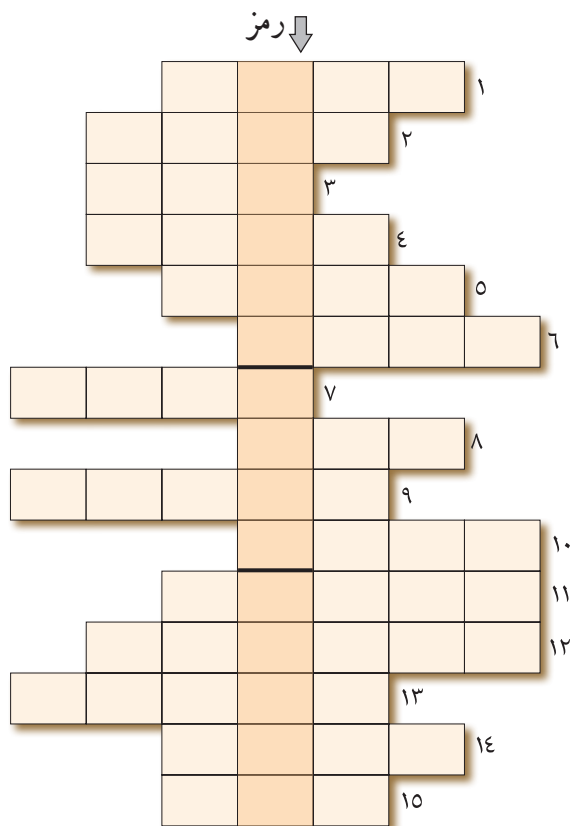
١. بِمَعْنَى الْحَدِيقَةِ: الْبُسْتَان الصَّف

٢. عَمُودُ الدِّينِ: الصَّبْر الصَّلَاة

٣. زَمَانٌ طَوِيلٌ: الْيَوْم السَّنَة

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز را به دست بیاورید.

غُرْفَة - لِسَان - كَلَام - يَوْم - صِحَّة - عَمُود - صَلَاة - طُلَّاب - قَرِيب - هُنَا - مُجَالَسَة - بَعِيد - نِسْيَان - أُوْلَيْكَ - عَدَاوَة



۱. زبان
۲. دانشجویان
۳. تندرستی
۴. سخن
۵. نماز
۶. اتاق
۷. ستون
۸. روز
۹. آنها
۱۰. دور
۱۱. فراموشی
۱۲. همنشینی
۱۳. دشمنی
۱۴. نزدیک
۱۵. اینجا



رمز:

کُنُوزُ الْحِكْمِ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۹ کلمه)

أُخْتُ: خواهر	جَوَال (أَلِهَاتِفُ الْجَوَالِ): تلفن	سَيَّارَةٌ: خودرو	لُغَةٌ: زبان
أَخٌ (أَخُو، أَخَا، أَخِي): برادر	هُمْرَاهُ	سَيِّدٌ: آقا	لَيْمَنٌ: مالِ چِه كَسِي، مالِ چِه
أَرْضٌ: زمین	حُبٌّ: دوست داشتن	سَيِّدَةٌ: خانم	كَسَانِي
أَنَا: من	حُسَامٌ: شمشیر	صَدِيقٌ: دوست	مُدْرَسٌ: معلم
إِنَّ: قطعاً، به راستی كه	حُسْنُ الْعَهْدِ: خوش پیمانی	«جمع: أَصْدِقَاءُ»	مَنْ: چِه كَسِي، چِه كَسَانِي
أَنْتِ: تو «مؤنث»	سَائِقٌ: راننده	صَغِيرٌ: كوچك	وَحْدَةٌ: تنهایی
أَنْتَ: تو «مذکر»	سَمَاءٌ: آسمان «جمع: سَمَاوَاتُ»	صَيْفٌ: مهمان «جمع: صُيُوفٌ»	هُوَ: او «مذکر»
جَلِيسُ السُّوءِ: همنشین بد	سَوْءٌ: بدی، بد	كَاتِبٌ: نویسنده	هِيَ: او «مؤنث»

۱. الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ. رسولُ الله ﷺ

۲. إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ. رسولُ الله ﷺ

۳. حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ. رسولُ الله ﷺ

۴. الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ. الإمامُ عليٌّ عليه السلام

۵. رَبُّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ. الإمامُ عليٌّ عليه السلام

مَنْ؟ لِمَنْ؟



نمیه پایداری بانوان ایرانی
در دفاع مقدس

مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟
هِيَ مُجَاهِدَةٌ.



مَنْ هَذَا الْعَالِمُ؟
هُوَ أَبُو رِيحَان.



بانوی شیمی ایران
دکتر آفسانه صفوی

مَنْ هِيَ؟
هِيَ عَالِمَةٌ إِيرَانِيَّةٌ.



مَنْ هُوَ؟
هُوَ زَكَرِيَّا الرَّازِي.



مَنْ أَنْتِ؟
أَنَا مُدِيرَةُ الْمَكْتَبَةِ.



مَنْ أَنْتَ؟
أَنَا مُدِيرُ الْمَكْتَبَةِ.



لِمَنْ تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟
لِمُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.



لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيْبَةُ؟
لِمَرْيَمَ.

بدانیم

۱. «مَنْ هُوَ» برای مذکر و «مَنْ هِيَ» برای مؤنث است؛ مثال:

- مَنْ هُوَ أَسْتَاذُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ؟ - السَّيِّدُ أَكْبَرِي.

- مَنْ هِيَ أَسْتَاذَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ - السَّيِّدَةُ شَفِيْعِي.

۲. «هُوَ» و «هِيَ» در جمله‌هایی مانند «مَنْ هُوَ الْمُدِيرُ؟» و «مَنْ هِيَ الْمُدِيرَةُ؟» ترجمه نمی‌شود.

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: پاسخ هر پرسش کدام است؟



حكيم خيام نيشابورى

٢ - مَنْ هُوَ؟

هو شاعرٌ إيرانيٌّ. نعم؛ هو شاعرٌ.



سيده اعظم حسيني

نويسنده كتاب دا

١- مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟

هو ضيفٌ. هي كاتبَةٌ.



مرقد مولوى در تركيه

٤- لِمَنْ هَذَا الْمَرَقَدُ؟

هي لاعبةٌ قويَّةٌ. هي جُنديَّةٌ شجاعَةٌ. لِمولانا جلال الدين. هذا جلال الدين.



٣- مَنْ هِيَ؟

التَّمرينُ الثاني: ترجمه كنيد.

١. مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟ (الرعد/ ١٦)

٢. لِمَنْ ذَلِكَ الْجَوَالُ الْجَمِيلُ؟ - لِلسَّيِّدِ أَخْلَاقِي.

٣. مَنْ هَذِهِ الْبِنْتُ الصَّغِيرَةُ؟ - هِيَ أُخْتُ سِينَا.

٤. مَنْ فِي الْغُرْفَةِ؟ - الصُّيُوفُ فِي الْغُرْفَةِ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: كزینئه مناسب را انتخاب کنید.

۱. مَنْ أَنْتِ يَا بِنْتُ؟
□ أَنْتَ صَدِيقُ حَامِدٍ. □ أَنَا صَدِيقَةُ زَيْنَب.
۲. لِمَنْ هَذَا الْقَلَمُ؟
□ لِبِتِّكَ الطَّالِبَةِ. □ الْقَلَمُ هُنَا.
۳. مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟
□ هُوَ سَائِقُ السَّيَّارَةِ. □ أَنْتِ سَائِقَةُ السَّيَّارَةِ.
۴. مَنْ تِلْكَ الْبِنْتُ؟
□ هِيَ أُخْتُ ثُرَيَّا. □ هُوَ أَخُو ثُرَيَّا.
۵. أَنْتِ يَا وَكْدُ.
□ طَالِبٌ عَزِيزٌ □ طَالِبَتَانِ عَزِيزَتَانِ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

۱. مَنْ هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ؟ (مَنْ هِيَ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ؟)

.....

۲. هَلِ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ؟

.....

۳. مَنْ أَنْتِ؟ (مَنْ أَنْتِ؟)

.....

۴. مَنْ خَالِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟

.....

۵. مَنْ هُوَ مُدَرِّسُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ (مَنْ هِيَ مُدَرِّسَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟)

.....

كَزُّ النَّصِيحَةِ

المُعْجَم: واژه نامه (۲۴ کلمه)

أَفْضَلُ: برتر، برترین	رَخِيصَةٌ: ارزان	مَا هُوَ: چیست	نِسَاءُ: زنان
إِلَى: به، به سوی، تا	عَبْدٌ: بنده	«برای پرسش از شیء مذکر»	هُمْ: ایشان، - آنان «جمع مذکر»
أُمٌّ: مادر «جمع: أمّهات»	عَيْشٌ: زندگی	مَا هِيَ: چیست	أَنْفَعُهُمْ: سودمندترینشان
أَنْفَعُ: سودمندترین	غَالِيَةٌ: گران، ارزشمند	«برای پرسش از شیء مؤنث»	ي: هم، - من «أمّي: مادرم»
بَيْتٌ: خانه	فَاعِلُهُ: انجام دهنده اش	مُدَارَاةٌ: مدارا کردن	يَسَارٌ: چپ
حَوْلَ: اطراف	مَا: چه، چه چیز، چیست	مِنْصَدَةٌ: میز	يَمِينٌ: راست
دَوْرَانُ: چرخیدن	مَاذَا: چه، چه چیز	نَاسٌ: مردم	

۱. أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. رسول الله ﷺ

۲. الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَفَاعِلُهُ قَلِيلٌ. رسول الله ﷺ

۳. الْإِنْسَانُ عَبْدٌ الْإِحْسَانِ. الإمام عليّ عليه السلام

۴. بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِي لِسَانِهِ. الإمام عليّ عليه السلام

۵. سَلَامَةٌ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ. الإمام عليّ عليه السلام

ما؟



ما مَعْنَى هَذِهِ الْعَلَامَةِ؟
الدَّوْرَانُ إِلَى الْيَسَارِ مَمْنُوعٌ.



ما مَعْنَى هَذِهِ الْعَلَامَةِ؟
الدَّوْرَانُ إِلَى الْيَمِينِ مَمْنُوعٌ.



ما هَذِهِ؟
هَذِهِ هَدِيَّةٌ لِأُمِّي.



ما هَذَا؟
هَذَا مِفْتَاحُ الْبَيْتِ.

بدانيم

«هو» و «هي» در مثال‌های زیر ترجمه نمی‌شود و آوردن آن اختیاری است؛ مثال:

ما هو المُشْكِلُ؟ = مَا الْمُشْكِلُ؟ ما هي المُشْكِلَةُ؟ = مَا الْمُشْكِلَةُ؟

این جمله‌ها را ترجمه کنید.

ما هي اللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ في إيران؟ - الْفَارْسِيَّةُ.

ماذا عَلَي الْمِنْصَدَةِ؟ - جَوَّالُ أُمِّي.

ما هو حَوَّلَ الْبَيْتِ؟ - عَمُودٌ كَبِيرٌ.

التَّمارين

التَّمرينُ الْأَوَّلُ: به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



۲- ما تِلْكَ عَلَي الْجَبَلِ؟



۱- ما ذَلِكْ؟



۴- ما هَذِهِ؟



۳- ما هَذَا؟

التَّمرينُ الثَّاني: ترجمه كنيد.

١. ما هاتان؟ - هاتان، هَدَيْتَانِ غَالِيَتَانِ.

٢. ما هَذِهِ؟ - هَذِهِ، جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ لِلْفَائِزِ الْأَوَّلِ.

٣. ماذا فِي تِلْكَ السَّيَّارَةِ الْكَبِيرَةِ؟ - حَقَائِبُ الْمُسَافِرِينَ.

التَّمرينُ الثَّالثُ: متضادّ كلمات زیر کدام است؟

(حُسْنٌ - رَخِيصَةٌ - كَثِيرٌ - جَالِسٌ - جَمَاعَةٌ - بَعِيدٌ)

قَرِيبٌ ≠ قَلِيلٌ ≠ وَحْدَةٌ ≠

وَاقِفٌ ≠ سَوْءٌ ≠ غَالِيَةٌ ≠

التَّمرينُ الرَّابِعُ: معادل مؤنث هر كلمه را از میان كلمات زیر پیدا كنيد و بنويسيد.

(الْبِنْتُ - الْبَنَاتُ - الْمَرْأَةُ - النِّسَاءُ - هَذِهِ - أَنْتِ - هِيَ - الْأُخْتُ - هَاتَانِ - تِلْكَ)

الرَّجُلُ : الْوَلَدُ : الرَّجَالُ : الْأَوْلَادُ : أَنْتَ :

هَذَا : ذَلِكَ : هَذَانِ : الْأَخَّ : هُوَ :

التَّمرينُ الْخَامِسُ: در جای خالی گزینۀ مناسب قرار دهید. سپس جمله را ترجمه كنيد.

١. خَيْرُ النَّاسِ النَّاسِ. □ أَنْفَعُ □ صَغِيرٌ □

٢. عَدَدُ الْمُسَافِرِينَ فِي الْفُنْدُقِ □ قَرِيبٌ □ كَثِيرٌ □

٣. الْإِنْسَانُ الْإِحْسَانَ. □ عَيْشٌ □ عَبْدٌ □

٤. قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ بِـ □ عَقْلِهِ □ سِنِّهِ □

٥. حُسْنُ الْعَهْدِ عَلَائِمُ الْإِيمَانِ. □ مَنٌ □ مَنٌ □

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



أَيْنَ الطَّالِبَاتُ؟ فِي الْمَدْرَسَةِ.

الْحِكْمُ النَّافِعَةُ

المُعْجَم: واژه نامه (۲۲ کلمه)

أفدام: پاها «مفرد: قَدَم»	جَنَّة: بهشت	است، تو باید	نِيَات: نیتها «مفرد: نِيَّة»
أَمَامَ: روبه‌رو	حُسْنُ الْخُلُقِ: خوش اخلاقی	فَوْقَ: بالا، روی	وَرَاءَ: پشت
أَيْنَ: کجا	خَلْفَ: پشت	قَرِيبٌ مِنْ: نزدیک به	هُنَاكَ: آنجا
باب: در «جمع: أبواب»	سَفِينَةٌ: کشتی	مُدَارَةُ النَّاسِ: مدارا کردن	يَدَ: دست
بَقْرَةٌ: گاو	عَلَى الْيَسَارِ: سمت چپ	با مردم	
تَحْتَ: زیر	عَلَى الْيَمِينِ: سمت راست	مَعَ: با، همراه	
جَنْبَ: کنار	عَلَيْكَ بِ: بر تو لازم	مِنْ أَيْنَ: اهل کجا، از کجا	

۱. الأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. رسولُ الله ﷺ
۲. عَلَيْكَ بِمُدَارَةِ النَّاسِ. رسولُ الله ﷺ
۳. حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رسولُ الله ﷺ
۴. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ. رسولُ الله ﷺ
۵. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. الإمامُ عليٌّ عليه السلام

أَيْنَ ؟



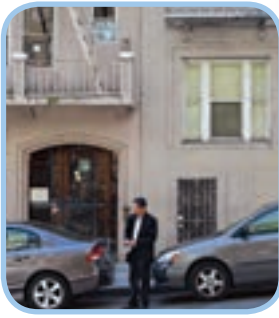
أَيْنَ الرَّجُلُ؟
تَحْتَ السَّيَّارَةِ.



أَيْنَ السَّفِينَةُ؟
فِي الْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ.



أَيْنَ الْوَلَدُ؟
خَلْفَ الْبَابِ.



أَيْنَ الرَّجُلِ؟
بَيْنَ السَّيَّارَتَيْنِ.



أَيْنَ الْبَيْتِ؟
فَوْقَ الشَّجَرَةِ.



أَيْنَ الرَّجُلِ؟
أَمَامَ بَابِ الْبَيْتِ.



أَيْنَ الزَّرَافَةِ؟
وَرَاءَ الشَّجَرَةِ.



أَيْنَ الطِّفْلِ؟
عِنْدَ أُمِّهِ.



أَيْنَ جَبَلٍ بِيَسْتُونَ؟
فِي مَغْرِبِ إِيرَانَ.

بدانيم

۱. در پاسخ به «أَيْنَ» از چنین کلماتی استفاده می‌کنیم.

فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، خَلْفَ (وَرَاءَ)، جَنْبَ، عِنْدَ، حَوْلَ، بَيْنَ، فِي، عَلَى، عَلَى الْيَمِينِ، عَلَى الْيَسَارِ، هُنَا، هُنَاكَ

۲. برای اینکه از کسی بپرسیم «شما اهل کجا هستید؟» از اصطلاح «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده می‌کنیم؛

مثال:



مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ - أَنَا مِنْ مِصْرَ. (أَنَا مِصْرِيَّةٌ.)



مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا مِنْ مِصْرَ. (أَنَا مِصْرِيٌّ.)

اکنون به یکی از دو پرسش زیر پاسخ دهید.

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - - مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ -

۳. اصطلاح «عَلَيْكَ بِ» به معنای «بر تو لازم است»، «تو باید» است؛ مثال:

عَلَيْكَ بِالْخُرُوجِ. = بر تو لازم است خارج شوی. تو باید خارج شوی.

ترجمه این جمله ها چیست؟ عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ.

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ.

التَّمَارِينُ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



أَيْنَ الْبَيْتَانِ؟



أَيْنَ الْبَقْرَةَ؟

التَّامِرِينُ الثَّانِي: با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



١- أَيْنَ الْوَلَدُ؟

٢- أَيْنَ السَّيَّارَةُ؟

٣- أَيْنَ الرَّجُلُ؟

٤- أَيْنَ الْمَرْأَةُ؟

٥- ماذا عَلَى السَّيَّارَةِ؟

التَّامِرِينُ الثَّلَاثُ: ترجمه کنید.

١ - أَيْنَ الْمَكْتَبَةُ؟

- عَلَى الْيَمِينِ.

٢ - أَيْنَ الْبُسْتَانُ؟

- عَلَى الْيَسَارِ.

٣ - أَيْنَ مَدِينَةُ بَدْرَةَ؟

- قَرِيبَةً مِنْ إِيلَامِ.

٤ - أَيْنَ الْمِفْتَاحُ؟

- هُنَاكَ؛ عَلَى الْبَابِ.

٥ - مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

- أَنَا مِنَ الْيَمَنِ.

المواعظ العَدَدِيَّةُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۳۰ کلمه)

مَوَاعِظُ: پندها «مفرد: مَوْعِظَةٌ»	سَبْعَةٌ: هفت	بِدَايَةٌ: شروع	إِنْتَعَشَرَ: دوازده
نار: آتش	سِتَّةٌ: شش	تِسْعَةٌ: نه	إِنْتَانٍ: دو
نَظَرٌ: نگاه	سَخَاوَةٌ: بخشندگی	ثَلَاثَةٌ: سه	أَحَدَ عَشَرَ: یازده
وَجَعٌ: درد	سُورٌ: سوره‌ها «مفرد: سُوْرَةٌ»	ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: سه چیز	أَرْبَعَةٌ: چهار
وَجْهٌ: چهره	صَوْرَةٌ: عکس	ثَمَانِيَةٌ: هشت	أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: چهار چیز اندک‌ش زیاد است.
يَوْمٌ: روز «جمع: أَيَّامٌ»	شَهْرٌ: ماه «جمع: شُهُورٌ»	حَسَنَةٌ: خوب	أُسْبُوعٌ: هفته
	عَشْرَةٌ: ده	حَيَاءٌ: شرم	الَّذِي: کسی که
	كَمٌ: چند، چقدر	خَلَقَ: آفرید	بَحْرٌ: دریا
	مُصْحَفٌ: قرآن	خَمْسَةٌ: پنج	

۱. النَّظْرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ، عِبَادَةٌ: «النَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ» وَ «النَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ» وَ «النَّظْرُ فِي الْبَحْرِ».

۲. أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: «الْفَقْرُ وَ الْوَجَعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ».

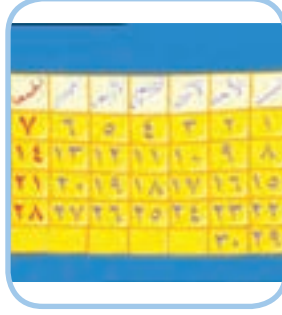
۳. خَمْسَةٌ أَشْيَاءَ، حَسَنَةٌ فِي النَّاسِ: «الْعِلْمُ وَ الْعَدْلُ وَ السَّخَاوَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الْحَيَاءُ».

هر سه عبارت حکیمانه از رسول الله ﷺ است.

كَمْ؟



كَمْ جَوَّالاً هُنَا؟
ثَلَاثَةٌ.



كَمْ يَوْمًا أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ؟
سَبْعَةٌ.



كَمْ «قُلْ» فِي بَدَايَةِ هَذِهِ السُّورِ؟
أَرْبَعَةٌ.



كَمْ لَاعِبًا فِي الصُّورَةِ؟
سِتَّةٌ.



كَمْ كِتَابًا هُنَا؟
ثَمَانِيَةٌ.



كَمْ عَدَدُ الْمَفَاتِيحِ؟
خَمْسَةٌ.

بدانيم

١. عددهاى اصلى:

- ١- واحد ٢- اثنان ٣- ثلاثة ٤- اربعة ٥- خمسة ٦- ستة
٧- سبعة ٨- ثمانية ٩- تسعة ١٠- عشرة ١١- احد عشر ١٢- اثناعشر

٢. كلمة پرسشى «كَمْ» به معنای «چند» است؛ مثال: كَمْ شَخْصًا جَنَّبَ الْبَحْرَ؟ - عَشْرَةٌ.



التَّمرينُ الأوَّلُ: در جاهای خالی عددهای مناسب بنویسید.

واحد - - ثلاثة - أربعة

خمسة - - سبعة - ثمانية

..... - عشرة - أحد عشر -

التَّمرينُ الثَّاني: كزینه درست کدام است؟

۱. كم أسبوعاً في الشهر؟
□ عشرة □ أربعة
۲. كم صفّاً في المرحلة الابتدائية؟
□ ستة □ اثنان

التَّمرينُ الثَّالثُ: ترجمه کنید.

۱. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾. هود ۷

۲. ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾. توبه ۳۶

۳. كم يوماً أنت في السفر؟ - تقريباً تسعة أيام.

نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ

نگاهی به درس دوم و سوم

کلمات پرسشی		
مثال	کلمه پرسشی	
<p>هَلْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟ (أَ هَذَا جُنْدِيٌّ؟)</p> <p>نعم؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.</p>	<p>أ، هَلْ: آیا</p>	
<p>مَنْ هُوَ؟</p> <p>هُوَ مُدِيرُ المَدْرَسَةِ.</p>	<p>مَنْ: چه کسی، کیست،</p> <p>چه کسانی</p>	
<p>لِمَنْ هَذِهِ الحَقِيبَةُ؟</p> <p>هَذِهِ الحَقِيبَةُ، لِصَدِيقَتِي.</p>	<p>لِمَنْ: مالِ چه کسی</p>	

<p>ما هَذَا؟ ذَلِكَ قَلَمٌ.</p>	<p>ما: چیست، چه چیزی</p>	
<p>مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ مِنْ هَمْدَانَ.</p>	<p>أَيْنَ: کجا</p>	
<p>كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ عَشْرَةٌ.</p>	<p>كَمْ: چند</p>	

الدرس الرابع



كَيْفَ حَالُكَ؟ أَنَا بِخَيْرٍ وَكَيْفَ أَنْتِ؟

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۱۸ کلمه)

فُنْدُقُنَا: هتلمان، هتل ما

نِهَائِيَّة: پایان

هُم: آنان، ایشان «جمع مذکر»

هُمَا: ایشان، آنها، آن دو

وَجْهِيهَا: صورتشان

كُم: يتان، شما

فُنْدُقُكُم: هتلتان

كَ: ت، تو

حَالُكَ: حال تو

مَعَ السَّلَامَةِ: به سلامت

عَا: يمان، ما

حَوَار: گفت و گو

شَارِع: خیابان

صَبَاحَ الخَيْرِ، صَبَاحَ النُّور:

صبح به خیر

فِي أَمَانِ اللّهِ: خدا حافظ

كَيْفَ: چطور

أَب (أبو، أب، أبي): پدر

أُسْرَة: خانواده

إِلَى اللّقاءِ: به امید دیدار

أَنْتُمْ: شما «جمع مذکر»

جَدّ: پدر بزرگ

جَدَّة: مادر بزرگ



حَوَارٌ بَيْنَ وَدَيْنِ

حمید: وَ عَلَیْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

- صَبَاحَ النُّورِ.

- أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟

سَمیر: السَّلَامُ عَلَیْكَ.

- صَبَاحَ الخَيْرِ.

- كَيْفَ حَالُكَ؟

- أنا بِخَيْرٍ؛ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
- أنا مِنْ إِيرانِ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
- أنا مِنْ الْعِرَاقِ؛ هَلْ أَنْتَ مِنْ مِشْهَدٍ؟
- لا؛ أنا مِنْ مازندرانِ فِي شَمالِ إِيرانِ.
- وَ أنا مِنْ البَصْرَةِ فِي جَنوبِ الْعِرَاقِ.
- مَا اسْمُكَ؟
- اسْمِي سَميرٌ وَ مَا اسْمُكَ؟
- اسْمِي حَميدٌ.
- أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟
- هُمْ جالِسُونَ هُنَاكَ.
- ذَلِكِ أَبِي وَ تِلْكَ أُمِّي.
- ذَلِكِ جَدِّي وَ تِلْكَ جَدَّتِي.
- أَيْنَ فُنْدُقُكُمْ؟
- فِي نِهايَةِ هَذَا الشَّارِعِ.
- كَمْ يَوْمًا أَنْتُمْ فِي كِربلاءَ؟
- ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ.
- مَنْ هَذَا الوَلَدُ؟
- هُوَ أَخِي.
- مَا اسْمُهُ؟
- اسْمُهُ جَعْفَرٌ.
- فِي أمانِ اللَّهِ.
- إِلى اللِّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.



التَّمارينُ الأوَّلُ: با توجَّه به متن درس، پاسخ صحیح و غلط را معلوم کنید.

صحيح غلط

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|--------------------------|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ١. سميرٌ مِنْ مصرِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٢. حميدٌ مِنْ مازندرانِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٣. جعفرٌ أخو حميدٍ. |

التَّمرينُ الثَّاني: به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

١. كَيْفَ حَالُكَ؟

٢. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

٣. مَا اسْمُكَ؟

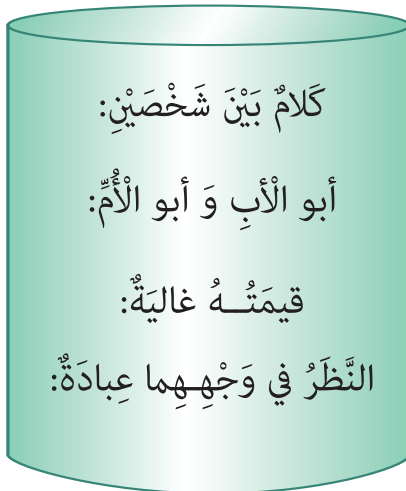
٤. أَيْنَ بَيْتُكَ؟

التَّمرينُ الثَّالثُ: کلمات مرتبط در ستون «الف» و «ب» را به هم وصل کنید.

ب



الف



الدَّرْسُ الْخَامِسُ



أَيْنَ ذَهَبْتُ؟ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۸ کلمه)

أَخَذَ: گرفت، برداشت	دَكَرَ: یاد کرد	صَدِيقَاتِي: دوستانم «مؤنث»	كَتَبَ: نوشت
اشْتَرَيْتُ: خریدم	ذَهَبَ: رفت	عَبَاءَةٌ: چادر	لا فَرْقَ: فرقی نیست
اشْتَرَيْتُ: خریدی «مذکر»	ذَهَبْتُ: رفتم	عَلِمَ: پرچم	لِكَ: ت، ـِ تو «مؤنث»
اشْتَرَيْتُ: خریدی «مؤنث»	ذَهَبْتُ: رفتی «مذکر»	عَسَلَتْ: شست	صَدِيقَتُكَ: دوست
أَصْدِقَائِي: دوستانم «مذکر»	ذَهَبْتُ: رفتی «مؤنث»	فُسْتَانٌ: پیراهن زنانه	لِكِنْ: ولی
أَكَلَ: خورد	رَسَالَةٌ: نامه	قَرَأَ: خواند	لِمَاذَا: چرا، برای چه
أَلْفٌ: هزار	رَفَعَ: بالا بُرد، برداشت	قَرَأَتْ: خواندی «مذکر»	مَبْرُوكٌ: مبارک
أُمٌّ: یا	سِرْوَالٌ: شلوار	قَرَأَتْ: خواندم	مَلَابِسٌ: لباس‌ها
تَفَاحٌ، تَفَاحَةٌ: سیب	سُوقٌ: بازار	قَمِيصٌ: پیراهن	وَحَدِّكَ: تو به تنهایی «مذکر»
	شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار متشکرم	كَانَ، كَانَتْ: بود	وَحَدِّكَ: تو به تنهایی «مؤنث»

في السوق



- أَيْنَ ذَهَبْتِ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟
- هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟
- أَمْ ذَهَبْتِ وَحَدِّكَ؟
- كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
- فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سَوْقِ النَّجْفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.
- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.
- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.
- اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
- فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.
- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



- دَهَبْتُ إِلَى سَوَاقِ النَّجْفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ رِجَالِيَّةً.
- لا؛ دَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.
- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.
- اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
- قَمِيصاً وَسِرْوَالاً.
- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

- أَيْنَ دَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟
- هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟
- أَ دَهَبْتَ وَحْدَكَ؟
- كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
- فَلِمَذَا اشْتَرَيْتَ؟
- مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟
- مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

فعل ماضى (١)



ماذا قَرَأْتَ؟
قَرَأْتُ أَشْعَارًا.



ماذا أَكَلْتِ؟
أَكَلْتُ تَفَاحَةً.

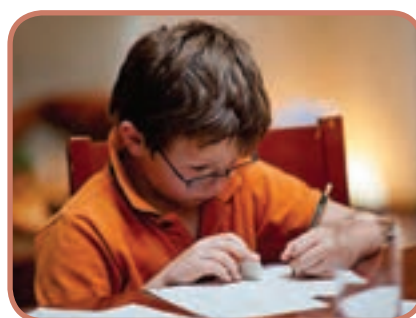
بدانیم

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده‌اید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «رفتم: ذَهَبْتُ». از درس پنجم تا پایان درس دهم با فعل ماضی آشنا می‌شوید. به جمله‌های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أنا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أنتِ فَعَلْتِ.	
		أنتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	درس ۶	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	درس ۸	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	درس ۹	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	درس ۱۰	



أنا رَفَعْتُ عَلَّمَ إِيْرَان.



أنا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.



أَنْتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا.



أَنْتَ أَخَذْتَ كِتَابًا مُفِيدًا.



التَّمرينُ الأوَّلُ: جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. أَيُّهَا الْمُسَافِرُ أَذَهَبْتَ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - لا؛ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

۲. مَاذَا غَسَلْتَ؟ - غَسَلْتُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُسْرَتِي.

۳. مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

۴. مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

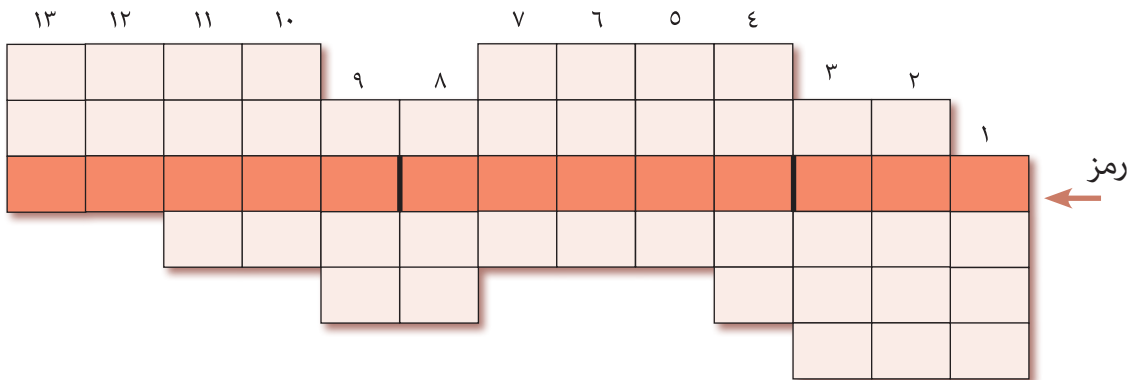
التَّمْرِينُ الثَّانِي: گزینه درست را انتخاب کنید.

۱. أنا مَلَابِسي.
 غَسَلْتُ غَسَلْتِ
۲. أ أنتَ العَلَمَ؟
 رَفَعْتُ رَفَعْتَ
۳. أنتِ صَدِيقَتِكَ.
 ذَكَرْتُ ذَكَرْتِ
۴. أ أنتَ هَدَيْتَكَ؟
 أَخَذْتُ أَخَذْتِ
۵. كَمْ تَفَاحَةً أَكَلْتَ؟ تَفَاحَتَيْنِ.
 أَكَلْتُ أَكَلْتِ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: جدول را با کلمات داده شده کامل کنید؛ سپس رمز را بنویسید.

ذَكَرْتُ - أَرْضٌ - غَسَلْتُ - تَفَاحٌ - رَفَعْتُ - جَدَّةٌ - قَمِيصٌ - عَبَاءَةٌ - رَخِيصٌ - رِسَالَةٌ - أَكَلْتُ -
 طَلَابٌ - أَلْفَانِ

۱. دانشجویان ۲. دو هزار ۳. چادر ۴. نامه ۵. شُستی ۶. بالا بردم ۷. خوردم ۸. پیراهن
 ۹. سیب ۱۰. یاد کردم ۱۱. ارزان ۱۲. زمین ۱۳. مادر بزرگ



رمز :

الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ الأنعام ١

الدَّرْسُ السَّادِسُ المُعْجَم: واژه نامه (۳۴ کلمه)

مَنْ: کسی که	عَدُوَان: دشمنی	رَجَع: برگشت	إِذَا: هرگاه، اگر
الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ...: مسلمان	عَنْ: از	زَرَع: کاشت	أَرَادِل: فرومایگان
کسی است که مردم سالم بمانند...	فَتَحَ: باز کرد	سَأَلَ: پرسید «مذکر»	أَفْاضِل: شایستگان
لِسَانِهِ: زبانش	فَلَّاح: کشاورز	سَأَلْتُ: پرسید «مؤنث»	أُمُّهُ: مادرش
لَعِبَ: بازی کرد	قَرَبَ مِنْ: نزدیک شد به	سَأَلْتُهُ: از او پرسید	بَحَثَ عَنْ: دنبال...گشت
لَيْل: شب	قَصِير: کوتاه	سَلِمَ: سالم ماند	تَمَّ: سپس
نَهَار: روز	قَمَر: ماه	سَمِعَ: شنید «مذکر»	حَصَدَ: درو کرد
وَاجِب: تکلیف	مَلَكَ: فرمانروا شد	سَمِعْتُ: شنید «مؤنث»	خَرَجَ: بیرون رفت
وَجَدَ: پیدا کرد	مَنْ: هرکس	شَمَس: خورشید	خُسْرَان: زیان
وَصَلَ: رسید	مَنْ زَرَعَ الْعُدُوَان: هرکسی	صَعَدَ: بالا رفت	دَخَلَ: داخل شد
هَلَكَ: هلاک شد	دشمنی کاشت؛ (بکارد)	طَرَقَ: کوبید	ذَهَبَتْ: رفت «مؤنث»

الْجَمَلَاتُ الدَّهَبِيَّةُ

لَعِبَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ. رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ.

هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ.

سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ ثُمَّ ذَهَبَتْ وَفَتَحَتِ الْبَابَ وَسَأَلَتْهُ:

الْأُمُّ: كَيْفَ حَالُكَ؟

الْوَلَدُ: أَنَا بِخَيْرٍ.

الْأُمُّ: مَا هِيَ وَاجِبَاتُكَ؟

يَاسِرٌ: حَفِظْتُ هَذِهِ الْجَمَلَاتِ الدَّهَبِيَّةِ.



«إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ؛ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.»
«مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»، «التَّجْرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ.»
«خَيْرُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.»
«الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ.»، «لِسَانُ الْمُقَصِّرِ، قَصِيرٌ.»

فعل ماضى (٢)



اللاعِبَةُ رَفَعَتْ عِلْمَ إِيْرَانِ.



الْفَلَّاحُ زَرَعَ الرِّيْحَانَ.

بدانیم

به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أنا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أنتِ فَعَلْتِ.	
		أنتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	هو فَعَلَ.	
		هي فَعَلَتْ.	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	درس ۸	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	درس ۹	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	درس ۱۰	

التَّمارین

التَّمارینُ الأوَّلُ: کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. (=، ≠)

عُدوان صداقة جاهل عالم أراذل أفاضل أفضل خَيْرُ
 بدایة نهایة رخیصة غالیة عُدوان عداوة خَلْف وراء

التَّمْرِينُ الثَّانِي: كلمة ناهماهنگ در هر مجموعه کدام است؟

۱. عَلم □ أخت □ أخ □ والد □
۲. يد □ ماء □ وجه □ لسان □
۳. قميص □ فستان □ جوال □ سروال □
۴. قصير □ نافذة □ باب □ عرفة □
۵. خرج □ دخل □ هلك □ تحت □

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: بخوانید و ترجمه کنید.



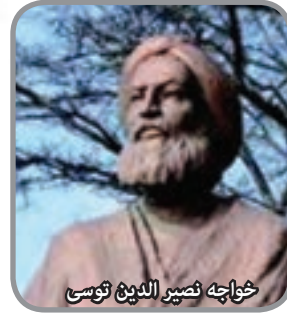
﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ الأنعام ۱



﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ﴾ الأنبياء ۳۳



هِيَ وَصَلَتْ إِلَى بَيْتِهَا.



هُوَ بَحَثَ عَنِ الْكُتُبِ.



أَنَا سَأَلْتُ مُدَرِّسِي.



أَنَا قَرَبْتُ مِنَ الْقَرْيَةِ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: كُزِينَهُ مَنَاسِبَ رَا اِنْتِخَابِ كُنِيد.

١. الْمُعَلِّمُ صَفَّهُ. □ دَخَلَ □ دَخَلْتُ
٢. الطِّفْلَةُ مَعَ صَدِيقَاتِهَا. □ لَعِبْتُ □ لَعِبْتِ
٣. أَنَا الْمَحْصُولَ. □ حَصَدْتُ □ حَصَدَ
٤. أَنْتِ الشَّجَرَةَ. □ صَعِدْتُ □ صَعَدَ
٥. أَنْتِ جَوَالَكَ؟ □ وَجَدْتُ □ وَجَدْتِ

الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿...مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ آلِ عِمْرَانَ ١٩١

الدَّرْسُ السَّابِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۱۱ کلمه)

واجباتنا: تکالیف ما	كَانَ ذَاهِبًا: رفته بود «مذکر»	جَمَعَ: جمع کرد	أَبِيهِ: پدرش
يا: ای	كَانَتْ ذَاهِبَةً: رفته بود «مؤنث»	ذَاهِبٌ: رفته	أَخْتِهَا: خواهرش
يَدُهَا: دستش	لِأَنَّ: زیرا	سَأَلَكِ: از تو پرسید «مذکر»	أَخِيهِ: برادرش
	لِأَنَّهُ: زیرا او «مذکر»	سَأَلْتِكِ: از تو پرسید «مؤنث»	أُمُّهَا: مادرش
	لِأَنَّهَا: زیرا او «مؤنث»	صَدِيقِي: دوستم «مذکر»	بَيْتِكَ: خانه‌ات
ما: حرف نفی فعل ماضی	ما: حرف نفی فعل ماضی	صَدِيقَتِي: دوستم «مؤنث»	بَيْتِكُمْ: خانه‌تان
	ما كَانَ: نبود	طَرَقْتُ: کوبید «مؤنث»	جَاءَ: آمد
	ماء: آب	فَعَلَ: انجام داد	جَلَسَ: نشست

حوارٌ في الأسرة



- الْوَلَدُ
- صَدِيقِي طَرَقَ الْبَابَ.
 - لا؛ ما كَانَ مَعَ أَبِيهِ. كَانَ مَعَ أَخِيهِ.
 - هُوَ سَأَلَ: «ما هِيَ واجباتنا؟»
 - لِأَنَّهُ كَانَ غَائِبًا.
 - لا؛ كَانَ ذَاهِبًا إِلَى الْمُسَابَقَةِ.
 - لا.

- الْأَبُ - مَنْ طَرَقَ الْبَابَ؟
- هَلْ كَانَ مَعَ أَبِيهِ؟
- ماذا سَأَلَكِ؟
- لِماذا سَأَلَ هَذَا السُّؤَالَ؟
- أْ كَانَ مَرِيضًا؟
- هَلْ هُمَا خَلَفَ الْبَابَ الْآنَ؟



- صَدِيقَتِي طَرَقَتْ بَابَ الْبَيْتِ.
 – لا؛ مَا كَانَتْ مَعَ أُمِّهَا. كَانَتْ مَعَ أُخْتِهَا.
 – هِيَ سَأَلَتْ: «مَا هِيَ وَاجِبَاتُنَا؟»
 – لِأَنَّهَا كَانَتْ غَائِبَةً.
 – لا؛ كَانَتْ ذَاهِبَةً إِلَى الْمُسَابَقَةِ.
 – لا.

الْبِنْتُ

- مَنْ طَرَقَتْ بَابَ الْبَيْتِ؟
 – هَلْ كَانَتْ مَعَ أُمِّهَا؟
 – مَاذَا سَأَلَتْكَ؟
 – لِمَاذَا سَأَلَتْ هَذَا السُّؤَالَ؟
 – أ كَانَتْ مَرِيضَةً؟
 – هَلْ هُمَا خَلَفَ الْبَابَ الْآنَ؟

فعل ماضى منفى



أنا ما قرأتُ هذا الكتابِ.



أنا ما خرجتُ من صفِّي.



أما سمعتِ صوتاً؟




أما فعلتِ واجِبَكَ؟

بدانیم

فعل ماضی با حرف «ما» منفی می شود:

مانند: أَكَل: خورد ما أَكَل: نخورد

اکنون شما این جمله ها را ترجمه کنید. 

۱. أَنَا مَا قَرُبْتُ مِنَ الْبَحْرِ.

۲. يَا سَعِيدُ، أَمَا صَعِدْتَ الْجَبَلَ؟

۳. أَنْتِ مَا وَصَلْتِ إِلَى مَدْرَسَتِكَ.

۴. هُوَ مَا جَمَعَ الْأَشْخَابَ.

۵. تِلْكَ الطَّالِبَةُ مَا رَفَعَتْ يَدَهَا.



التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: هر جمله را ترجمه كنيد. سپس زير فعل ماضى خط بكشيد.

١. ﴿... ما خَلَفْتَ هَذَا باِطِلًا﴾ آل عمران ١٩١

٢. يا صَدِيقَتِي، اَما ذَهَبْتِ اِلى بَيْتِكَ؟

٣. اَنا ما جَمَعْتُ حَقائِبَ السَّفَرِ.

٤. كَمَ صَيِّفاً جِاءَ اِلى بَيْتِكُمْ؟

٥. اَ اَنْتَ فَتَحْتَ بابَ الحَدِيقَةِ؟

٦. الطَّالِبَةُ ما جَلَسَتْ عَلى الكُرسيِّ.



التَّمْرِينُ الثَّانِي: ترجمه کنید.

.....	↵ أَنَا مَا رَجَعْتُ:	رَجَعَ: برگشت
.....	↵ أَنْتِ مَا فَعَلْتِ:	فَعَلَ: انجام داد
.....	↵ هِيَ مَا كَتَبَتْ:	كَتَبَ: نوشت
.....	↵ أَنْتِ مَا جَلَسْتِ:	جَلَسَ: نشست
.....	↵ هِيَ مَا سَأَلَتْ:	سَأَلَ: پرسید
.....	↵ أَنْتِ مَا جَمَعْتِ:	جَمَعَ: جمع کرد

الدَّرْسُ الثَّامِنُ



...ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ﴿٥٨﴾ الروم / ٥٨

الدَّرْسُ الثَّامِنُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه)

والدة: مادر	قَطَعَ: بُرِد	صَرَبَ: زد	آلهة: خدایان «مفرد: إله»
وَصَلْنَا: رسیدیم	قَطَعْنَا: بُرِدیم	صَرَبْنَا: زدیم	بارد: سرد
وَقَعَ: افتاد	كُنَّا: همه ما	عَبَرَ: عبور کرد	جَوَّ: هوا
وَقَفَّ: ایستاد	لَبَسَ: پوشید	عَبَرْنَا: عبور کردیم	حُدود: مرز، مرزها
وَقَفْنَا: ایستادیم	لَبَسْنَا: پوشیدیم	عَرَفَ: شناخت	حَزَنَ: غمگین شد
هُمَا: آن دو، آنان، ایشان	نَحْنُ: ما	عَفَوًا: ببخشید	حَفِظَ: حفظ کرد
	نَسِيَ: فراموش کرد	فَرِحَ: خوشحال شد	حَفِظَكُمُ اللهُ: خدا شما را حفظ کند.
	نَصَرَ: یاری کرد	فَرِحْنَا: خوشحال شدیم	شَعَرَ بِ: احساس... کرد
	والد: پدر	قَالَ: گفت	صَنَعَ: ساخت

في الحدود



- الجَدَّة : ألو. السَّلَامُ عَلَيْكَ يا عَزِيزِي. مُحْسِن : عَلَيْكَ السَّلَامُ. مَنْ أَنْتِ؟
- الجَدَّة : كَيْفَ ما عَرَفْتُ جَدَّتَكَ؟! مُحْسِن : عَفْوًا؛ ما عَرَفْتُ صَوْتَكَ. كَيْفَ حَالُكَ؟
- الجَدَّة : أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ حَالُكُمْ؟ مُحْسِن : كُنَّا بِخَيْرٍ.
- الجَدَّة : أَيْنَ أَنْتُمْ الآنَ؟ مُحْسِن : وَصَلْنَا إِلَى مَدِينَةِ مِهْرانِ فِي الحُدُودِ.
- الجَدَّة : أَيْنَ الوالِدِ وَ الوالِدَةُ؟ مُحْسِن : هُما جالِسانِ عَلَى الكُرْسِيِّ.
- الجَدَّة : هَلْ هُما بِخَيْرٍ؟ مُحْسِن : نَعَمْ؛ الحَمْدُ لِلَّهِ.
- الجَدَّة : كَيْفَ الجَوُّ هُنَاكَ؟ مُحْسِن : الجَوُّ بارِدٌ قَلِيلًا.
- الجَدَّة : ماذا لَيْسَتْ يا عَزِيزِي؟
- ماذا لَيْسَ أبوكَ؟
- و ماذا لَيْسَتْ أُمُّكَ؟
- الجَدَّة : حَفِظْكُمْ اللهُ! مَعَ السَّلَامَةِ. مُحْسِن : لَيْسْنَا مَلابِسَ مُناسِبَةٍ.
- الجَدَّة : حَفِظْكُمْ اللهُ! مَعَ السَّلَامَةِ. مُحْسِن : شُكْرًا جَزِيلًا. إِلَى اللِّقَاءِ.

فعل ماضى (٣)




نَحْنُ جَلَسْنَا فِي المَكْتَبَةِ.



نَحْنُ كَتَبْنَا واجِبَاتِنَا.

بدانیم

۱. به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اَوَّلُ شَخْصٍ مَفْرَدٍ.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ. أَنْتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	هُوَ فَعَلَ. هِيَ فَعَلَتْ.	
اَوَّلُ شَخْصٍ جَمْعٍ.	ما انجام دادیم.	نَحْنُ فَعَلْنَا.	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	درس ۹	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	درس ۱۰	

التَّمارین

التَّمارینُ الأوَّلُ: ترجمه کنید.

۱. ﴿...ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ الروم/ ۵۸

۲. ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ الأنبياء/ ۶۲

۳. ﴿ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ﴾ ياسين/۷۸

۴. نَحْنُ مَا عَبَرْنَا الْحُدُودَ.

۵. قَالَ الطِّفْلُ: «أَنَا مَا حَزَنْتُ».

التَّمْرِينُ الثَّانِي: كلمات مرتبطة در ردیف «الف» و «ب» را به هم وصل کنید.

الف	الْفُسْتَانُ - الْعِلْمُ - الدُّنْيَا - الصَّلَاةُ - النَّسِيَانُ - السُّؤَالُ
ب	مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ - كَنْزٌ - مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ - آفَةُ الْعِلْمِ - مِفْتَاحُ الْعِلْمِ - عَمُودُ الدِّينِ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: هر جمله را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أَنْتِ لَبِستِ عَبَاءَةً جَمِيلَةً.



أَنْتِ نَصَرْتَهُ. لِأَنَّكَ شَرِيفٌ.



أَنَا حَزَنْتُ قَلِيلًا.



نَحْنُ قَطَعْنَا الْخَشَبَ.



هِيَ نَسِيَتْ شَيْئًا.



هُوَ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ.



نَحْنُ وَقَفْنَا لِأَحْدِ الْجَوَائِزِ.



نَحْنُ شَعَرْنَا بِالِافْتِيخَارِ.



نَحْنُ عَبَرْنَا الْجَبَلَ.



نَحْنُ فَرَحْنَا كَثِيرًا.

الدَّرْسُ التَّاسِعُ



فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ الرحمن / ٦٨

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۱۴ کلمه)

مَمْلُوءٌ بِ: پُرُّ اَز كُمَا: يَتَان، — شَمَا «مَثْنِي» دَرَسَكُمَا: دَرِسْتَان، دَرِسِ شَمَا كُنَّ: يَتَان، — شَمَا «مَوْثَث» أَطْفَالِكُنَّ: كُودَكَانَتَان، كُودَكَانِ شَمَا	جَدَّنَا: پَدربزرگمان جَدَّتِنَا: مَادربزرگمان زَوْجَةَ: هَمْسِر سَمَحَ لِي: اِجَازَه دَاد كِيْمِيَاء: شِيْمِي مُسَاعَدَةَ: كَمَك	أَيْهَا: اِي «بِرَاي مَذْكَر» أَيْتُهَا: اِي «بِرَاي مَوْثَث» بِ: بِه وَسِيْلَه بَدَأَ بِ: شُرُوع كَرْد بِه بُسْتَانُهُمْ: بَاغْشَان بَيْتُهُمْ: خَانَه شَان	أُخْتَيْنِ: دُو خَوَاهِر أَخَوَيْنِ: دُو بَرَادِر أَكْبَر: بَزْرگ تَر أَوْلَادِهِمَا: فَرزَنْدَانِشَان أَنْتُمَا: شَمَا «مَثْنِي» أَنْتُنَّ: شَمَا «جَمْع مَوْثَث»
--	--	---	---

الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ

السَّيِّدُ زَارِعِي فَلَاحٌ وَ زَوْجَتُهُ فَلَاحَةٌ. هُمَا سَاكِنَانِ مَعَ أَوْلَادِهِمَا فِي قَرْيَةٍ. عَارِفٌ أَكْبَرٌ مِنَ الْأَخَوَيْنِ وَ سُمَيَّةٌ أَكْبَرٌ مِنَ الْأُخْتَيْنِ. هُمُ أُسْرَةٌ نَاجِحَةٌ. بَيْتُهُمْ نَظِيفٌ وَ بُسْتَانُهُمْ مَمْلُوءٌ بِأَشْجَارِ الْبُرْتُقَالِ وَ

الْعِنَبِ وَ الرَّمَّانِ وَ الثُّفَّاحِ. حِوَارٌ بَيْنَ الْوَالِدِ وَ الْأَوْلَادِ



أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا عَارِفُ؟ عارف: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ مَعَ صَادِقٍ وَ حَامِدٍ.

أَوَالِد: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا صَادِقُ وَ يَا حَامِدُ؟ الْأَخْوَانِ: بِالسَّيَّارَةِ.

أَوَالِد: لِمَاذَا ذَهَبْتُمْ أَيُّهَا الْأَوْلَادُ؟ الْإِخْوَةَ: لِمُسَاعَدَةِ جَدِّنَا.

جَوَارٌ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَ الْبَنَاتِ



أَوَالِدَةُ: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا سَمِيَّةُ؟ سَمِيَّةُ: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ مَعَ شَيْمَاءَ وَ نَرْجِسَ.

أَوَالِدَةُ: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا شَيْمَاءُ وَ يَا نَرْجِسُ؟ الْأَخْتَانِ: بِالسَّيَّارَةِ.

أَوَالِدَةُ: لِمَاذَا ذَهَبْتُنَّ أَيُّهُمَا الْبَنَاتُ؟ الْأَخَوَاتِ: لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِنَا.

فعل ماضى (٤)



أَنْتُمْ بَدَأْتُمْ بِالْمُسَابَقَةِ.



أَنْتُمْ رَجَعْتُمْ مِنَ الْجَبَلِ.



أَنْتُمْ جَمَعْتُمْ كُتُبَ الْمَكْتَبَةِ.



أَنْتُنَّ سَمِعْتُنَّ كَلَامِي بِدِقَّةٍ.

بدانیم

به مقایسه جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ.	
		أَنْتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	هُوَ فَعَلَ.	
		هِيَ فَعَلَتْ.	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	نَحْنُ فَعَلْنَا.	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ.	
		أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ.	
		أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ.	
سوم شخص جمع.	آنها انجام دادند.	درس ۱۰	



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: با توجّه به متن درس جمله‌های صحیح و غلط را معلوم کنید.

۱. عَدَدُ الْأَوْلَادِ وَالْبَنَاتِ خَمْسَةٌ.
۲. السَّيِّدُ زَارِعِي مَدْرَسِ الْكِيمِيَاءِ.
۳. أَشْجَارُ الرُّمَّانِ فِي بُسْتَانِ السَّيِّدِ زَارِعِي.
۴. كَانَ هَدَفُ الْأَوْلَادِ وَالْبَنَاتِ مُسَاعَدَةَ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: جمله‌های زیر را ترجمه کنید، سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. يَا بِنْتَانِ، كَيْفَ قَرَأْتُمَا دَرَسَكُمَا؟

۲. أَيُّهَا الطُّلَّابُ، لِمَاذَا فَتَحْتُمُ أَبْوَابَ الصُّفُوفِ؟

۳. أَيَّتِهِنَّ السَّيِّدَاتُ، أَسَمِعْتُنَّ صَوْتَ أَطْفَالِكُنَّ؟

۴. يَا أَسْتَاذُ، هَلْ سَمَحْتَ لِي بِالْكَلامِ؟

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ترجمه کنید.

- | | | | | | |
|---------------------|---|---------------------------------------|---------------------|---|---|
| قَرَأْتُمْ: خواندید | ↔ | هُوَ مَا قَرَأَ:
..... | بَدَأْتُ: شروع کردم | ↔ | أَنْتُنَّ بَدَأْتُنَّ:
..... |
| سَمِعْنَا: شنیدیم | ↔ | أَنْتُمَا سَمِعْتُمَا:
..... | وَصَلْتُمْ: رسیدید | ↔ | أَنْتُمْ مَا وَصَلْتُمْ:
..... |
| سَمَخَ: اجازه داد | ↔ | أَنْتُنَّ سَمَخْتُنَّ:
..... | قَطَعْتَ: بریدی | ↔ | أَنْتُمَا مَا قَطَعْتُمَا:
..... |

الدَّرْسُ العَاشِرُ



فِي عُمُقِ البَحْرِ أَسْمَاكٌ جَمِيلَةٌ.

الدَّرْسُ العَاشِرُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه)

نَظَرْنَ: نگاه کردند	فَدَ: پس	خَافَ: ترسید	إِبْتَسَامَ: لبخند
وَحِيدَ: تنها	فَرِحْنَ: خوشحال شدند	خَافَتَا: ترسیدند	إِبْتَسَامَ: با لبخند
هَرَبَ: فرار کرد	قَبِيحَ: زشت	خَافُوا: ترسیدند	أَحَدَ: کسی
هَرَبَتَا: فرار کردند	قَذَفَ: انداخت	خَافِ: ترسیده، ترسان	أَخَذُوا: او را گرفتند
هَرَبْنَ: فرار کردند	قَذَفُوا: انداختند	سَمَكَ: ماهی «جمع: أسماك»	إِلَيْهَا: به او
هُمَّ: ایشان، — آنها	قَذَفُوا: او را انداختند	سَمَكَةً: ماهی «جمع سَمَكَات»	أَنَّ: که
مَلَابِسَهُمَّ: لباس‌هایشان	لِكِنَّ: ولی	سَمَكَةٌ حَجْرِيَّةٌ: سنگ ماهی	بَلْ: بلکه
هُنَّ، هُنَّ: ایشان، — آنها	لِكِنَّهُمْ: ولی آنها	شَبَكَةٌ: تور	جَاءَ: آمد
لِنَجَاتِهِنَّ: به خاطر نجاتشان	لِأَنَّهَا: زیرا او	شَبَكَةٌ كَبِيرَةٌ: تور بزرگی	جَاؤُوا: آمدند
هُنَّ: آنان، ایشان «جمع مؤنث»	لِنَجَاتِهَا: به خاطر نجات او	عَلِمَ: دانست	جِدًّا: بسیار
	مِنْهَا: از او	عَلِمَ أَنَّ: دانست که	جَمَالًا: زیبایی
	نَظَرَ: نگاه کرد	عَلِمْنَ: دانستند	حَزِينًا: غمگین

زِينَةُ الْبَاطِنِ

كَانَتْ فِي بَحْرِ كَبِيرٍ سَمَكَةٌ قَبِيحَةٌ اسْمُهَا «السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ» وَ الْأَسْمَاكُ خَائِفَاتٌ مِنْهَا. هِيَ

ذَهَبَتْ إِلَى سَمَكَتَيْنِ؛ السَّمَكَتَانِ خَافَتَا وَ هَرَبَتَا. هِيَ كَانَتْ وَحِيدَةً دَائِمًا. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، خَمْسَةٌ مِنْ

الصَّيَّادِينَ جَاؤُوا. فَقَذَفُوا شَبَكَةً كَبِيرَةً فِي الْبَحْرِ.



الأسماك وَقَعْنَ فِي الشَّبَكَةِ. مَا جَاءَ أَحَدٌ لِلْمُسَاعَدَةِ. السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ سَمِعَتْ أَصْوَاتَ الْأَسْمَاكِ.

فَنظَرَتْ إِلَى الشَّبَكَةِ فَحَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ. قَطَعَتْ شَبَكَةَ الصَّيَّادِينَ بِسُرْعَةٍ. الْأَسْمَاكُ

خَرَجْنَ وَ هَرَبْنَ جَمِيعًا. فَوَقَعَتْ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ فِي الشَّبَكَةِ وَ الصَّيَّادُونَ أَخَذُوهَا. كَانَتْ الْأَسْمَاكُ

حَزِينَاتٍ؛ لِأَنَّ السَّمَكَةَ الْحَجْرِيَّةَ وَقَعَتْ فِي الشَّبَكَةِ لِنَجَاتِهِنَّ.

الأسماكُ نَظَرْنَ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَّادِينَ. هُمْ أَخَذُوهَا وَلَكِنَّهُمْ قَدَّفُوهَا فِي الْمَاءِ؛ لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً

جِدًّا فَخَافُوا مِنْهَا. الْأَسْمَاكُ فَرَحْنَ لِنَجَاتِهَا وَ نَظَرْنَ إِلَيْهَا بِابْتِسَامٍ وَ عَلِمْنَ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ



جَمَالَ الظَّاهِرِ.

قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.»

فعل ماضى (5)



هُمَا كَتَبَتَا.



هُمَا وَقَفَا.



هُنَّ نَظَرْنَ.



هُمْ لَعَبُوا.

بدانیم

به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أنا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أنتِ فَعَلْتِ.	
		أنتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	هو فَعَلَ.	
		هي فَعَلَتْ.	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	نحنُ فَعَلْنَا.	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	أنتم فَعَلْتُمْ.	
		أنثنَّ فَعَلْتُنَّ.	
		أنتما فَعَلْتُما.	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	هُم فَعَلُوا.	
		هُنَّ فَعَلْنَ.	
		هُما فَعَلَا.	
		هُما فَعَلَتَا.	



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: با توجّه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

۱. كَانَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ وَحِيدَةً.
۲. السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ.
۳. كَانَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ صَغِيرَةً وَجَمِيلَةً.
۴. الصَّيَّادُونَ مَا خَافُوا مِنَ السَّمَكَةِ الْحَجْرِيَّةِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: با توجّه به متن درس به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

۱. مَنْ قَذَفَ الشَّبَكَةَ فِي الْمَاءِ؟

۲. كَمْ صَيَّادًا كَانَ فِي السَّفِينَةِ؟

۳. أَيْنَ وَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ؟

۴. هَلْ زِينَةُ الظَّاهِرِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الْبَاطِنِ؟

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. الْأَطْفَالُ حَفِظُوا سُوْرَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ.

۲. النِّسَاءُ وَقَفْنَ لِاسْتِقْبَالِ ضِيُوفِهِنَّ.

۳. الْفَلَاحَتَانِ حَصَدَتَا مَحْصُولَهُمَا.

۴. الْوَالِدَانِ لَبَسَا مَلَابِسَهُمَا.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ترجمه کنید.

دَفَعَ: پرداخت ← هُنَّ دَفَعْنَ:

عَلِمَ: دانست ← الطَّالِبَاتُ مَا عَلِمْنَ:

قَدَفَ: انداخت ← أَنْتُمَا قَدَفْتُمَا:

نَظَرَ: نگاه کرد ← هُمْ مَا نَظَرُوا:

قَطَعَ: بُرید ← أَنْتُمْ مَا قَطَعْتُمْ:

مَا ضَرَبَ: نزد ← هُمَا مَا ضَرَبَتَا:

هَرَبَ: فرار کرد ← الْوَالِدَانِ هَرَبَا:

سَلِمَ: سالم ماند ← هُنَّ سَلِمْنَ:

وَقَعَ: افتاد ← الطِّفْلَةُ وَقَعَتْ:

نَصَرَ: یاری کرد ← الرَّجَالُ مَا نَصَرُوا:

عَبَرَ: عبور کرد ← أَنْتَنْ عَبَرْتَنْ:

ذَكَرَ: یاد کرد ← الْبِنْتَانِ ذَكَرَتَا:

الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ



ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۱ کلمه)

أَجَابَ: جواب داد	رَأَى: دید	قَبِلَ: پذیرفت	لَيْسَ: نیست
آخِرُ: آخرین	سَنَوَاتٍ: سال‌ها «مفرد: سَنَةٌ»	كَآخِرِ عَمَلِهِ: به عنوان	مُجِدُّ: کوشا
آخِرُ عَمَلِي: آخرین کارم	شِرَاءٍ: خریدن	آخِرِينَ كَارِشٍ	مَصْنَعٍ: کارخانه
أَعْطَى: داد	صُنْعٍ: ساختن	لِأَنَّكَ: زیرا تو	مِنْهُ: از او
أَعْطَاهُ: به او داد	طَلَبَ: خواست	لِكِنَّهُ: ولی او	نَدِمَ: پشیمان شد
بِحَاجَةٍ: نیازمند	عَمَلٍ: انجام داد، کار کرد	لِشِرَاءٍ: برای خریدن	يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ: ای کاش من
تَقَاعُدٍ: بازنشستگی	قَالَ فِي نَفْسِهِ: با خودش گفت	لِصُنْعٍ: برای ساختن	ساخته بودم
جَيِّدًا: خوب، به خوبی	قَالَ لَهُ: به او گفت	لَهُمَا: هنگامی که	

الإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ

كَانَ نَجَّارٌ وَ صَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقَيْنِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، قَالَ النَّجَّارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ: «أَنَا بِحَاجَةٍ

إِلَى التَّقَاعُدِ.» أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ: «وَلَكِنَّكَ مَاهِرٌ فِي عَمَلِكَ وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.» النَّجَّارُ

مَاقِبَلًا. لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِضْرَارَهُ؛ قَبِلَ تَقَاعُدَهُ وَ طَلَبَ مِنْهُ صُنْعَ بَيْتٍ خَشَبِيٍّ قَبْلَ تَقَاعُدِهِ

كَآخِرِ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ.



ذَهَبَ النَّجَارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ الْجَدِيدِ. هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً

وَ غَيْرَ مُنَاسِبَةٍ وَ بَدَأَ بِالْعَمَلِ لِكِنَّهُ مَا كَانَ مُجِدًّا وَ مَا كَانَتْ أَخْشَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً.

بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ وَ قَالَ لَهُ: «هَذَا آخِرُ عَمَلِي.» جَاءَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ وَ

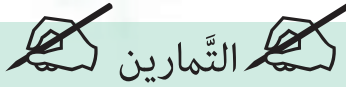
أَعْطَاهُ مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا وَ قَالَ لَهُ: «هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ.



هَذَا الْبَيْتِ هَدِيَّةً لَكَ ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً.»

نَدِمَ النَّجَارُ مِنْ عَمَلِهِ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ: «يَالَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيِّدًا!»





التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

۱. قَبْلَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ تَقَاعَدَ النَّجَّارُ لِأَنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا.

۲. كَانَ النَّجَّارُ مُجِدًّا فِي صُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ.

۳. كَانَ الْبَيْتُ الْخَشَبِيُّ هَدِيَّةً لِلنَّجَّارِ.

۴. مَا نَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ.

۵. كَانَ النَّجَّارُ مَاهِرًا.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: با توجه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

۱. هَلْ كَانَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ بِحَاجَةٍ إِلَى النَّجَّارِ؟

۲. مَنْ أَعْطَى مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا إِلَى النَّجَّارِ؟

۳. أَيْنَ ذَهَبَ النَّجَّارُ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ؟

۴. مَاذَا اشْتَرَى النَّجَّارُ لِصُنْعِ الْبَيْتِ؟

الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ



﴿...مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا﴾ ياسين ٨٠

الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ

المُعْجَم: واژه نامه (۲۷ کلمه)

شِتَاء: زمستان	حَارٌّ: گرم	أَسْوَد: سیاه	أَبْيَض: سفید
صَيْف: تابستان	حَيَاة: زندگی	أَصْفَر: زرد	الْاِثْنَيْنِ: دوشنبه
عَدَاً: فردا	خَرِيف: پاییز	أَمْسٍ: دیروز	الأَحَدِ: یکشنبه
غُرَاب: کلاغ	الخَمِيس: پنجشنبه	أوراق: برگها	أَحْمَر: سرخ
فاكِهَة: میوه «جمع: فَوَاكِه»	رَبِيع: بهار	«مفرد: وَرَق»	أَخْضَر: سبز
لَوْن: رنگ «جمع: ألوان»	السَّبْت: شنبه	أَيّ: کدام، چه	الأَرْبَعاء: چهارشنبه
الْيَوْم: امروز	سَحَاب: ابر	الثَّلَاثاء: سه شنبه	أَزْرَق: آبی

الْأَيَّامُ وَ الْفُصُولُ وَ الْأَلْوَانُ

ما هي أَيَّامُ الأُسْبُوع؟	المُدْرَس:
يَوْمُ السَّبْتِ، الأَحَدِ، الاِثْنَيْنِ، الثَّلَاثاءِ، الأَرْبَعاءِ، الخَمِيسِ، الجُمُعَة.	الطَّالِبُ:
وَ ما هي فُصُولُ السَّنَةِ؟	المُدْرَس:
الرَّبِيعُ وَ الصَّيْفُ وَ الخَرِيفُ وَ الشِّتَاءُ.	الطَّالِبُ:



الْمُدْرَسُ:

نَحْنُ فِي أَيِّ يَوْمٍ وَ فَصْلٍ؟

الطَّالِبُ:

الْيَوْمُ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ وَالْفَصْلُ فَصْلُ الرَّبِيعِ.

الْمُدْرَسُ:

كَيْفَ الْجَوُّ فِي كُلِّ فَصْلٍ؟

الطَّالِبُ:

الْجَوُّ فِي الرَّبِيعِ مُعْتَدِلٌ. الرَّبِيعُ فَصْلُ الْجَمَالِ وَالْحَيَاةِ الْجَدِيدَةِ.

الصَّيْفُ حَارٌّ وَ فَصْلُ الْفَوَاكِهِ اللَّذِيذَةِ وَالْخَرِيفُ لَا حَارٌّ وَ لَا بَارِدٌ

وَ فَصْلُ سُقُوطِ أَوْراقِ الْأَشْجارِ وَ الشِّتَاءُ بَارِدٌ.

الْمُدْرَسُ:

ما هِيَ الْأَلْوَانُ؟

الطَّالِبُ:

الْأَسْوَدُ وَ الْأَبْيَضُ وَ الْأَحْمَرُ وَ الْأَخْضَرُ وَ الْأَزْرَقُ وَ الْأَصْفَرُ.

الْمُدْرَسُ:

ما هُوَ الْمِثَالُ لِهَذِهِ الْأَلْوَانِ؟

الطَّالِبُ:

الْغُرَابُ أَسْوَدٌ وَ السَّحَابُ أَبْيَضٌ وَ الرُّمَّانُ أَحْمَرٌ وَ الشَّجَرُ أَخْضَرٌ وَ الْبَحْرُ أَزْرَقٌ

وَ الْمَوْزُ أَصْفَرٌ.



ما هي ألوان عَلمِ الجُمهوريَّةِ الإسلاميَّةِ الإيرانيَّةِ؟
الأخضرُ وَ الأبيضُ وَ الأحمرُ.

المُدَرِّسُ:
الطَّالِبُ:



التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

۱. الیومُ یومُ السَّبْتِ وَ غَدًا یومُ
 ۲. اَمْسِ كانَ یومَ الثَّلَاثاءِ فَالیومُ یومُ
 ۳. اوَّلُ الفُصولِ فَصَلٌ
 ۴. الشَّتاءُ فَصَلٌ
- الاثْنینِ الأَحَدِ
 الأَرْبَعاءِ الخَمیسِ
 الخَریفِ الرَّبیعِ
 بارِدٌ حارٌّ

التَّمرینُ الثَّانی: ترجمه کنید.

۱. لَوْنُ السَّماءِ، أَزْرَقٌ.
۲. لَوْنُ الأوراقِ، أَخْضَرٌ.
۳. لَوْنُ المَوْنِ، أَصْفَرٌ.
۴. لَوْنُ السَّحابِ، أَبْيَضٌ.
۵. لَوْنُ الغُرابِ، أَسْوَدٌ.
۶. لَوْنُ الرُّمَّانِ، أَحْمَرٌ.



نَظْرَةٌ لِلدَّرْسِ الْخَامِسِ إِلَى الدَّرْسِ الثَّانِي عَشَرَ

نگاهی به درس پنجم تا دوازدهم

فارسی	عربی	
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي.	 
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبَكَ.	
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِكِ.	
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ.	
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا.	

<p>ما تکلیفمان را نوشتیم.</p>	<p>نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَنَا.</p>	
<p>شما تکلیفتان را نوشتید.</p>	<p>أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبَكُمْ.</p>	
	<p>أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبَكُنَّ.</p>	
	<p>أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبَكُمْ.</p>	
<p>ایشان تکلیفشان را نوشتند.</p>	<p>هُمْ كَتَبُوا وَاجِبَهُمْ.</p>	
	<p>هُنَّ كَتَبْنَ وَاجِبَهُنَّ.</p>	
	<p>هُمَا كَتَبَا وَاجِبَهُمَا.</p>	
	<p>هُمَا كَتَبَتَا وَاجِبَهُمَا.</p>	

المُعْجَم: واژه نامه

الف

- إِذَا: هرگاه، اگر ۶
 أَرَادَ: فرومایگان ۶
 أَرْبَعَاءَ: چهارشنبه ۱۲
 أَرْبَعَةٌ: چهار ۳
 أَرْضٌ: زمین ۲
 أَرْزَقَ: آبی ۱۲
 أَسْبُوعٌ: هفته ۳
 أُسْرَةٌ: خانواده ۴
 أَسْوَدٌ: سیاه ۱۲
 اشْتَرَى: خرید ۵
 أَصْفَرٌ: زرد ۱۲
 أَعْطَى: داد ۱۱
 أَفَاضِلٌ: شایستگان ۶
 أَفْضَلٌ: برتر، برترین ۲
 أَقْدَامٌ: پاها «مفرد: قَدَم» ۳
 أَكْبَرٌ: بزرگ‌تر ۹
 أَكَلٌ: خورد ۵
 إِلَّا: به جز ۲
 الَّذِي: کسی که ۳
 أَلْفٌ: هزار ۵
 إِلَيَّ: به، به سوی، تا ۲
 إِلَى اللِّقَاءِ: به امید دیدار ۴
 الْيَوْمَ: امروز ۱۲
 أُمٌّ: یا ۵
 آخِرٌ: آخرین ۱۱
 آفَةٌ: آفت، آسیب ۱
 آلِهَةٌ: خدایان «مفرد: إله» ۸
 آيَا: آ ۲
 أَبٌ (أَبُو، أَبَا، أَبِي): پدر ۴
 ابْتِسَامٌ: لبخند ۱۰
 أبيضٌ: سفید ۱۲
 اثْنَا عَشَرَ: دوازده ۳
 اثْنَانِ: دو ۳
 الاثْنَيْنِ: دوشنبه ۱۲
 أَجَابَ: پاسخ داد ۱۱
 أَحَدٌ: کسی ۱۰
 الأَحَدِ: یکشنبه ۱۲
 أَحَدَ عَشَرَ: یازده ۳
 إِحْسَانٌ: نیکی کردن ۲
 أَحْمَرٌ: سرخ ۱۲
 أَحْيَاءٌ: زندگان «مفرد: حَيٌّ» ۱
 أَخٌ (أَخُو، أَخَا، أَخِي): برادر ۲
 أُخْتٌ: خواهر ۲
 أَخَذَ: گرفت، برداشت ۵
 أَخْضَرٌ: سبز ۱۲

باء

- ب: به وسیله ۹
 باب: در «جمع: أبواب» ۳
 بارد: سرد ۸
 بائع: فروشنده ۲
 بِحَاجَةٍ إِلَى: نیازمند به ۱۱
 بَحَثَ عَنْ: دنبال...گشت ۶
 بَحْر: دریا ۳
 بَدَأَ بِ: شروع کرد به ۹
 بَدَايَةَ: شروع ۳
 بَعِيد: دور ۲
 بَقْرَةَ: گاو ماده ۳
 بُسْتَان: باغ ۲
 بَل: بلکه ۱۰
 بِلا: بدون ۱
 بِنْت: دختر «جمع: بَنَات» ۱
 بَيْت: خانه ۲

تاء

- تَحْت: زیر ۲
 تَسْعَةَ: نه ۳
 تُفَاح: سیب ۵
 تَقَاعُد: بازنشستگی ۱۱
 تَلْكَ: آن «مؤنث» ۱

أُم: مادر «جمع: أُمَّهَات» ۲

أَمَام: رو به رو ۳

أَمَان: امنیت ۱

إِمْرَأَةٌ (الْمَرْأَةُ): زن «نساء: زنان» ۱

إِمْرَأًا (الْمَرْء): انسان ۱

أَمْسٍ: دیروز ۱۲

أَنَا: من ۲

إِنَّ: حقیقتاً، قطعاً ۱

أَنَّ: که ۱۰

أَنْتِ: تو «مؤنث» ۲

أَنْتَ: تو «مذکر» ۲

أَنْتُمْ: شما «جمع مذکر» ۴

أَنْتُمَا: شما «مثنی» ۹

أَنْتُنَّ: شما «جمع مؤنث» ۹

أَنْفَع: سودمندتر، سودمندترین ۲

أَوْرَاقٍ: برگ‌ها «مفرد: وَرَق» ۱۲

أَوْسَط: میانه‌ترین ۱

أَوْلَادِكَ: آنان ۱

أَهْلًا وَ سَهْلًا: خوش آمدید ۱

أَيَّ: کدام، چه ۱۲

أَيِّنَ: کجا (مِنْ أَيِّنَ: از کجا، اهل کجا) ۳

أَيُّهَا، أَيَّتُهَا: ای ۹

ثاء

- الثَّلَاثَاءُ : سه شنبه ۱۲
 ثَلَاثَةٌ : سه ۳
 ثُمَّ : سپس ۶
 ثَمَانِيَّةٌ : هشت ۳
 ثَمَرٌ، ثَمَرَةٌ : میوه ۱

جیم

- جَاءَ : آمد ۷
 جَالِسٌ : نشستہ ۱
 جَاهِلٌ : نادان ۱
 جَبَلٌ : کوه ۱
 جَدٌّ : پدر بزرگ ۴
 جِدًّا : بسیار ۱۰
 جِدَارٌ : دیوار ۴
 جِدَّةٌ : مادر بزرگ ۴
 جَزَاءٌ : پاداش ۲
 جَلَسَ : نشست ۷
 جَلِيسُ السُّوءِ : همنشین بد ۲
 جَمَالٌ : زیبایی ۱۰
 جَمَعَ : جمع کرد ۷
 جَمِيلٌ : زیبا ۱
 جَنْبٌ : کنار ۳
 جُنْدِيٌّ : سرباز ۲
 جَنَّةٌ : بهشت ۳

جَوّ: هوا ۸

- جَوَّالٌ (الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ): تلفن همراه ۲
 جَهْلٌ : نادانی ۱
 جَيِّدًا : خوب، به خوبی ۱۱

حاء

حَاژ: گرم ۱۲

- حُبٌّ : دوست داشتن ۲
 حَجَرٌ : سنگ «جمع: أحجار» ۱
 حُدُودٌ : مرز، مرزها ۸
 حَدِيقَةٌ : باغ «جمع: حَدَائِقُ» ۱
 حَزِنٌ : غمگین شد ۸
 حَزِينٌ : غمگین ۱۰
 حُسَامٌ : شمشیر ۲
 حُسْنٌ : خوبی ۱
 حُسْنُ الْعَهْدِ : خوش پیمانی ۲
 حُسْنُ الْخُلُقِ : خوش اخلاقی ۳
 حَسَنَةٌ : خوب ۳
 حَصَدٌ : درو کرد ۶
 حَفِظَ : حفظ کرد ۸
 حَقِيبَةٌ : کیف، چمدان «جمع: حَقَائِبُ» ۲
 حَوَارٌ : گفت و گو ۴
 حَوَّلَ : اطراف ۲
 حَيَاءٌ : شرم ۳

ذال

- ذَاهِب : رفته ۷
 ذَكَّرَ : یاد کرد ۵
 ذَلِکَ : آن «مذکر» ۱
 ذَهَبَ : رفت ۵
 ذَهَبٌ : طلا ۱

خاء

- خَافَ : ترسید ۱۰
 خَائِفٌ : ترسیده، ترسان ۱۰
 خَرَجَ : بیرون رفت ۶
 خَرِيفٌ : پاییز ۱۲
 خُسْرَانٌ : زیان ۶
 خَشَبٌ : چوب «جمع: أَخْشَاب» ۱
 خَلْفَ : پشت ۳
 خَلَقَ : آفرید ۳
 خَمْسَةَ : پنج ۳
 الْخَمِيسُ : پنجشنبه ۱۲
 خَيْرٌ : بهتر، بهترین ۱

راء

- رَأَى : دید ۱۱
 رَأْيٌ : نظر، فکر ۱
 رَبٌّ : چه بسا ۲
 رَبِيعٌ : بهار ۱۲
 رَجَعَ : برگشت ۶
 رَجُلٌ : مرد «جمع: رِجَال» ۱
 رَخِيسٌ : ارزان ۲
 رِسَالَةٌ : نامه ۵
 رِضًا : رضایت ۱
 رَفَعَ : بالا برد، برداشت ۵
 رُمَانٌ : انار ۲

دال

- دَخَلَ : داخل شد ۶
 دَفَعَ : پرداخت ۱۰
 دَهْرٌ : روزگار ۱
 دَوْرَانٌ : چرخیدن ۲

زاء

- زَرَعَ : کاشت ۶
 زَوْجَةٌ : همسر «زوج: شوهر» ۹

سَيِّدَة : خانم ۲

شین

- شارع : خیابان ۴
شَبَكَة : تور ۱۰
شِتَاء : زمستان ۱۲
شَجَر، شَجَرَة : درخت «جمع شَجَر: أشجار» ۱
شِرَاء : خریدن ۱۱
شَعْرَب : احساس...کرد ۸
شُكْرًا جَزِيلاً : بسیار متشکرم ۵
شَمْس : خورشید ۶
شَهْر : ماه «جمع: شهور» ۳

صاد

- صَبَاحَ الْخَيْرِ، صَبَاحَ النَّوْرِ : صبح به خیر ۴
صِحَّة : تندرستی ۱
صِدَاقَة : دوستی ۱
صَدِيق : دوست «جمع: أَصْدِقَاء» ۲
صَعِدَ : بالا رفت ۶
صِغَر : خُردسالی، کوچکی ۱
صَغِير : کوچک ۲
صَفَّ : کلاس «جمع: صُفوف» ۱
صَلَاة : نماز ۲
صَنَعَ : ساخت ۸

سین

- سَأَلَ : پرسید ۶
سَائِق : راننده ۲
السَّبْت : شنبه ۱۲
سَبْعَة : هفت ۳
سَبْعِينَ، سَبْعُونَ : هفتاد ۱
سِنَّة : شش ۳
سَحَاب : ابر ۱۲
سَخَاوَة : بخشندگی ۳
سِرْوَال : شلوار ۵
سَفِينَة : کشتی ۳
سَلِمَ : سالم ماند ۶
سَمَاء : آسمان «جمع: سَمَاوَات» ۲
سَمَحَ لَ : اجازه داد به ۹
سَمِعَ : شنید ۶
سَمَك : ماهی «جمع: أَسْمَاك» ۱۰
سَمَكَة حَجْرِيَّة : سنگ ماهی ۱۰
سَنَة : سال «جمع: سَنَوَات» ۱
سَوْء : بدی، بد ۲
سُور : سوره‌ها «مفرد: سورة» ۳
سَوْق : بازار ۵
سَيَّارَة : خودرو ۲
سَيِّد : آقا ۲

صُنِعَ : ساختن ۱۱

صَوْرَةٌ : عکس ۳

صَيِّفٌ : تابستان ۱۲

عَشْرَةٌ : ده ۳

عَفْوًا : ببخشید ۸

عَلِمَ : پرچم ۵

عَلِمَ : دانست ۱۰

عَلَى : بر، روی ۱

عَلَيْكَ : بر تو، به زیانِ تو ۱

عَلَيْكَ بِـ : بر تو لازم است که، تو باید ۳

عَلَيَّ (عَلَى+ي) : بر من لازم است

عَمِلَ : انجام داد، کار کرد ۱۱

عَمُودٌ : ستون ۲

عَنْ : از ۶

عِنَبٌ : انگور ۲

عِنْدَ : نزد، کنار ۱

عَيْشٌ : زندگی ۲

ضاد

ضَرَبَ : زد ۸

ضَيِّفٌ : مهمان «جمع: ضُيوف» ۲

طاء

طَالِبٌ : دانش‌آموز، دانشجو «جمع: طُلَّاب» ۱

طَرَقَ : کوبید ۶

طَلَّبَ : درخواست کرد ۱۱

غین

غَالِيَةٌ : گران ۲

غَدًا : فردا ۱۲

غُرَابٌ : کلاغ ۱۲

غُرْفَةٌ : اتاق ۲

غَسَلَ : شست ۵

عين

عِبَاءَةٌ : چادر ۵

عَبْدٌ : بنده ۲

عَبَّرَ : عبور کرد ۸

عِبْرَةٌ : پند «جمع: عِبَر» ۱

عَدَاوَةٌ : دشمنی ۱

عُدْوَانٌ : دشمنی ۶

عَرَفَ : شناخت ۸

فاء

قَرِيب: نزدیک ۲ (قَرِيبٌ مِنْ: نزدیک به)
 قَرِيَّة: روستا ۲
 قَصِير: کوتاه ۶
 قَطَعَ: بُرید ۸
 قَلِيل: کم ۲
 قَمَر: ماه «جمع: أقمار» ۶
 قَمِيص: پیراهن ۵
 قِيَمَة: ارزش، قیمت ۱

فَد: پس ۱۰

فَاعِل: انجام دهنده ۲

فَاكِهَة: میوه «جمع: فَوَاكِه» ۹

فَائِز: برنده ۱

فَتَحَ: باز کرد ۶

فَرِحَ: خوشحال شد ۸

فَرِيضَة: واجب دینی ۱

فُسْتَان: پیراهن زنانه ۵

فَعَلَ: انجام داد ۷

فَلَّاح: کشاورز ۶

فُنْدُق: هتل «جمع: فَنَادِق» ۲

فَوْقَ: بالا، روی ۳

فِي: در، داخل ۱

فِي أَمَانِ اللّهِ: خداحافظ ۴

کاف

كَ: مانند ۱

كَآخِرِ عَمَلِهِ: به عنوان آخرین کارش ۱۱

كَاتِب: نویسنده ۲

كَانَ: بود ۵

كَبِير: بزرگ ۱

كَتَبَ: نوشت ۵

كَثِير: بسیار ۲

كُرْسِيّ: صندلی ۱

كَلَام: سخن ۱

كُنْ: تان، - شما «جمع مذکر» ۴

كَمْ: چند، چقدر ۳

كُما: تان، - شما «مثنی» ۹

كُنْ: تان، - شما «جمع مؤنث» ۹

كُنْز: گنج «جمع: كُنُوز» ۱

ق

قَالَ: گفت ۸

قَالَ فِي نَفْسِهِ: با خودش گفت ۱۱

قَبِلَ: پذیرفت ۱۱

قَبِيح: زشت ۱۰

قَدَفَ: انداخت ۱۰

قَرَأَ: خواند ۵

قَرُبَ مِنْ: نزدیک شد به ۶

كَيْفَ : چطور ٤

كِيمِيَاءُ : شیمی ٩

كَ : تَتَ، تَو «حَالُكَ : حالت» ٤

كَ : تَتَ، تَو «مُؤْتٌ» ٥

میم

مَا : چه، چه چیز، چیست ٢

مَا : حرف نفی فعل ماضی ٧

مَاءُ : آب ٧

مَاذَا : چه، چه چیز ٢

مَبْرُوكٌ : مبارک ٥

مُجَالَسَةٌ : همنشینی با ١

مُجِدٌّ : کوشا ١١

مَجْهُولٌ : ناشناخته، گمنام ١

مُدَارَاةٌ : مدارا کردن ٢

مُدْرَسٌ : معلّم ١

مَدِينَةٌ : شهر ١

مَرَأَةٌ (الْمَرْأَةُ) : زن ١

مُسَاعَدَةٌ : کمک ٩

مَسْرُورٌ : خوشحال ١

مُصْحَفٌ : قرآن ٣

مَصْنَعٌ : کارخانه ١١

مَعَ : با، همراه ٣

مَعَ السَّلَامَةِ : به سلامت ٤

مِفْتَاحٌ : کلید «جمع: مَفَاتِيحُ» ١

مَكْتَبَةٌ : کتابخانه ١

مَلَابِسٌ : لباسها ٥

مَلَكٌ : فرمانروا شد ٦

لام

لِ : برای ١

لَا : نه، نیست ٢

لَا فَرْقٌ : فرقی نیست ٥

لَاعِبٌ : بازیکن ١

لِأَنَّ : زیرا ٧

لِبَسٍّ : پوشید ٨

لِسَانٌ : زبان ٢

لَعِبٌ : بازی کرد ٦

لُغَةٌ : زبان ٢

لَكَ : برایت، به سود تو ١

لَكِنَّ (لَكِنْ) : ولی ٥

لَمَّا : هنگامی که ١١

لِمَاذَا : چرا ٥

لِمَنْ : مال چه کسی، مال چه کسانی ٢

لَوْحَةٌ : تابلو ١

لَوْنٌ : رنگ «جمع: ألوان» ١٢

لَيْسَ : نیست ١١

لَيْلٌ : شب ٦

نَهَار: روز ۶
 نِهَائِيَّة: پایان ۴
 نِيَّات: نیت‌ها «مفرد: نِيَّة» ۳

مَمْلُوء بِ: پُر از ۹
 مِنْ: از ۱
 مَنْ: چه کسی، چه کسانی ۲
 مَنْ: هرکس، کسی که ۷
 مِنْصَدَّة: میز ۲
 مَوْت: مرگ ۱

واو

وَاجِب: تکلیف ۶
 وَاحِد: یک ۱
 وَاقِف: ایستاده ۱
 وَاوِلِد: پدر ۹
 وَاوِلِدَّة: مادر ۹
 وَاوِلِدَيْن: پدر و مادر ۱
 وَجَدَ: پیدا کرد ۶
 وَجَع: درد ۳
 وَجْه: چهره ۳
 وَحَدَك: تو به تنهایی ۵
 وَحَدَّة: تنهایی ۲
 وَحِيد: تنها ۱۰
 وَرَاء: پشت ۳
 وَرْدَة: گُل ۱
 وَصَلَ: رسید ۶
 وَقَعَ: افتاد ۸
 وَقَفَ: ایستاد ۸
 وَكِد: پسر، فرزند «جمع: أَوْلَاد» ۱

نون

نَا: نمان، ما ۴
 نَاجِح: موفق، پیروز ۱
 نَار: آتش ۳
 نَاس: مردم ۲
 نَافِذَة: پنجره ۱
 نَحْنُ: ما ۸
 نَدِيم: پشیمان شد ۱۱
 نِساء: زنان ۲
 نَسِي: فراموش کرد ۸
 نَسِيان: فراموشی ۱
 نَصَرَ: یاری کرد ۸
 نَظَرَ: نگاه ۳
 نَظَرَ: نگاه کرد ۱۰
 نَظِيف: پاکیزه ۱
 نَعَم: بله ۲

هـ

یا: ای ۷
 یالَیْتَنی: ای کاش من ۱۱
 یَد: دست ۳
 یَسار: چپ ۲
 یَمین: راست ۲
 یَوم: روز «جمع: اَیام» ۳
 الیَوم: امروز ۱۲

هـ: او، سَش، - آن ۱
 هـا: سَش، - او - آن ۱
 هاتان: این دو، اینها «مؤنث» ۱
 هُذا: این «مذکر» ۱
 هُذان: این دو، اینها «مذکر» ۱
 هُذِه: این «مؤنث» ۱
 هَرَب: فرار کرد ۱۰
 هَل: آیا ۲
 هَلَك: مُرد، هلاک شد ۶
 هُم: آنها، ایشان «مذکر» ۴
 هُم: ایشان، - آنها «مذکر» ۱۰
 هُما: آن دو ۸
 هُما: ایشان، - آن دو، - آنها «مثنی» ۴
 هُنَّ: آنها، ایشان «مؤنث» ۱۰
 هُنَّ: ایشان، - آنها «مؤنث» ۴
 هُنا: اینجا ۲
 هُنّاك: آنجا ۳
 هُو: او «مذکر» ۲
 هُوَلاء: اینان ۱
 هِی: او «مؤنث» ۲

یاء

ی: -م، - من ۲

أَيُّهَا الْأَصْدِقَاءُ،
وَصَلْنَا إِلَى نَهَايَةِ السَّنَةِ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
حَفِظْكُمْ اللَّهُ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ.

وَإِلَى اللَّقَاءِ فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ ؛

